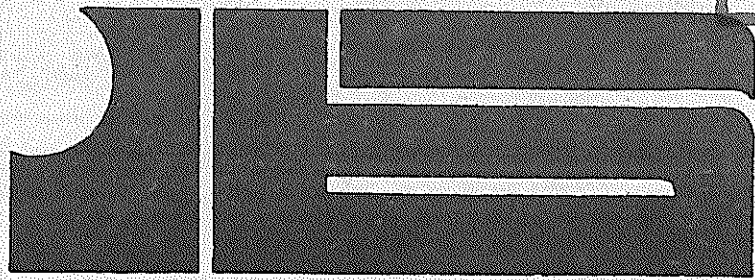


مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



سال دوم شماره ۶۶ چهارشنبه ۱۸ تیر ۱۳۵۹ ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۱۶ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

حقوق زن و حجاب اسلامی

طرح اجباری کردن حجاب اسلامی توسط جمهوری اسلامی ایران اعلام شد. این طرح که در چهارچوب اسلامی کردن جامعه به اجرا درآمد، واکنشهای مختلفی را در جامعه و به ویژه در سطح زنان میهن ما برانگیخت. جمهوری اسلامی ایران به اتکای ۱۷ ماه تجربه سیاسی که از آن داریم، همواره اصرار داشته است با مسائل اجتماعی جدا از عوامل اقتصادی - اجتماعی که آن را به وجود می آورد، روبرو شود. از این رو همواره خواسته است بطور یکجانبه ایده‌های خود و هرآنچه را که خود می‌پسندد، بر مردم و جامعه تحمیل نماید. این سیاست بطور ناگزیری به عمده کردن مسائل فرعی و نادیده گرفتن مطالبات و خواسته‌های اساسی مردم انجامیده و مساعدترین زمینه‌ها را برای رشد دواستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا فراهم آورده است.

طرح مسئله حجاب و مجبور ساختن زنان به استفاده از حجاب اسلامی آنهم در شرایطی که جنبه سرمایه‌داران لیبرال با حمایت فعال امپریالیسم امریکا تلاش دارد همه دستاوردهای انقلاب را بر باد داده و جنبش ضد امپریالیسمی - دمکراتیک مردم ایران را با شکست روبرو سازد، عملاً وحدت مردم را بیش از پیش دچار مخاطره ساخته است و بیشتر از هرزمانی آب به آسیاب امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن ریخته است.

جمهوری اسلامی ایران مدعی است که با اجباری کردن حجاب اسلامی در جهت "تزکیه اخلاقی" جامعه و زدودن فرهنگ منحط نظام شاهنشاهی گام برمیدارد. درحالیکه بدون درهم شکستن بنیادهای اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌داری معاصر که نظام شاهنشاهی بر آن استوار بوده است، هیچ انحطاط فرهنگی را نمی‌توان ریشه‌کن کرد. و صد البته اعتلاء یا انحطاط فرهنگی ربطی به حجاب ندارد. حقیقت آن است که اقدامات جمهوری اسلامی ایران در تعطیل مراکز فساد، به شیوه‌ای که همگان از آن اطلاع دارند، امروز این نتیجه را داده است که فساد اخلاقی اتفاقاً در پوشش "حجاب" چند برابر شود. فساد و فحشاء بقیه در صفحه ۲

بحران مسکن پیدا می‌کند

در صفحه ۱۰

جانیات دادگاه‌های انقلاب

کرمان و اهواز

در خدمت امپریالیسم جهانی

در صفحه ۱۶

مبارزه پیگیر با نیروهای وابسته به امپریالیسم که در غرب ایران رخنه کرده‌اند وظیفه همه نیروهای انقلابی است

● فدایی خلق: ۴ خشاب (۸۰ تیر) تیراندازی کردم و چندین تن از عوامل مزدور بختیار - پالیزبان را از پای در آوردم و... سپس با سلاح مزدوری که کشته بودیم در مقابل مزدوران ایستادگی کردیم و در تاریکی شب به کرد بازگشتیم

در صفحه ۱۶

محاكمه علنی امیرانتظام را به افشای همه جانبه سرمایه‌داران لیبرال مبدل کنیم!

امروز نیز که پس از ماهها مسئله محاکمه علنی امیر انتظام جاسوس امریکائی را مطرح ساخته‌اند، می‌خواهند آن را با محاکمه مجاهد خلق، محمد رضا سعادت‌تی که سالها علیه رژیم شاهنشاهی، علیه امپریالیسم امریکا و علیه امثال امیرانتظامها مبارزه کرده است و با اتهامی واهی توسط کمیته پشت سفارت امریکا بازداشت شده، همراه و همزمان آغاز کنند تا مرز دوستار و دشمن مردم را مشخص نمایند.

در صفحه ۲

در این شماره:

رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق دشمن خلق‌های پاکستان و

منطقه و نوکر سرسپرده امپریالیسم امریکا

(قسمت چهارم)

زحمتکشان همیشه دایان دوری بگیریم
تجربه ۲ بارده ماه مارود ده‌ها تن ترکین صحرادر خدمت ارتقاء
جشن ضد امپریالیسمی - دموکراتیک خلقهای سراسر ایران



در صفحه ۸

زحمتکشان "شیدان آباد" (ارومه) زمین‌های غصب شده‌شان را مجدداً تصرف کردند

در صفحه ۷

پیام‌های

کارگران پشرو صنعت نفت جنوب اهواز
کارگران پشرو "صنایع فولاد و نورد اهواز"
کارگران پشرو صنعت نفت جنوب "پالایشگاه آبادان"
به مناسبت هشت تیر، سالروز شهادت فدائیان خلق

در صفحه ۲

مبارزات کارگران کوره‌پزخانه‌ها

گزارشی از

کارگران باید در اتحادیه شوراهای و سندیکاها
مشکل شوند!

در صفحه ۶

اخبار کارگری

● گرامی یاد خاطره مبارزات کارگران نساجی قائم شهر در صفحه ۱۶
● شورای کارخانه کاناوا درای: کارگران از نان خود نمی‌برند تا کارخانه تعطیل نشود در صفحه ۱۲
● نایب رئیس کارگری کوب به نشریه کار اگرما کارگران اتحاد داشته باشیم... در صفحه ۱۲

چرا اداره باسازی می‌خواهد از امرار معاش هزاران ده‌دار تهرانی جلوگیری کند؟ در صفحه ۷

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

حقوق زن و ...

بقیه از صفحه ۱

در طول ۱۷ ماهی که از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد، علیرغم نیات و اقدامات منزله طلبانه مقامات و مبلغات "اخلاق اسلامی" گسترش چشمگیری داشته زیرا که فقر و بیکاری و گرانی گسترش سرسام آوری داشته است. نقش انقلابی و پیشرو زنان آگاه و مبارز ایران و سهم عظیمی که زنان زحمتکش جامعه در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی در قبل و بعد از قیام بر عهده دارند، گواه بزرگی است به آگاهی زنان میهن ما به ضرورت همه آن عوامل اجتماعی که راه را برای اشاعه فساد و تباهی و فرهنگ پوسیده شاهنشاهی باز می‌گذارد.

مبارزات حماسه آفرین زنان میهن ما نشان می‌دهد که آنان به مبارزه پیگیر برای نابودی علل و ریشه‌های فساد اجتماعی و قوف و آگاهی دارند. زنان زحمتکش و زنان روشنگرو همه آنان که در صف مردم و در جبهه ضدامپریالیستی جای دارند، امروز علیه آن روابطی که زن را به مثابه یک "کالا" عرضه می‌دارد به مبارزه برخاسته‌اند. جلوه دادن این مبارزه عظیم تاریخی به تلاش برای تامین و تثبیت "حجاب اسلامی" در حقیقت تنها ناشی از آذهانی است که به گونه‌های دیگر با زن به مثابه یک "کالا" مواجه می‌شود!

بدون تردید آنچه که امروز زیر پوشش "حجاب اسلامی" تبلیغ می‌شود نمی‌تواند بدون ارتباط با عدم اعتقاد جمهوری اسلامی ایران به اصل برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد، مورد ارزیابی و قضاوت قرار گیرد. حقوق و مطالباتی که به مثابه جزئی از مبارزات حق طلبانه مردم ما علیه سلطه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا باید در نظر گرفته شود.

کارنامه جمهوری اسلامی ایران در این زمینه هیچ چیز امیدوارکننده‌ای در بر ندارد: تفویض حق تعداد زوجات به مردان، سلب حق قضاوت زنان، به رسمیت شناختن صیغه، تضییقات فراوان برای زنان کارمند و متخصص و... از جمله اقداماتی است که زنان زحمتکش، مبارز و آگاه میهن ما را بیش از پیش نسبت به جمهوری اسلامی بدبین ساخته است.

سیر وقایع که با بهره‌گیری امپریالیسم امریکا و به ویژه دار و دسته بختیار از اجرای طرح اجباری کردن حجاب اسلامی همراه بوده‌است، یکبار دیگر آشکار کرده است که چگونه در پس هر مبارزه به ظاهر فرهنگی نیز می‌باید منافع و علائق طبقاتی را که با یکدیگر در مبارزه و سنیزند، باز شناخت و با توجه به آن مواضع جهت‌گیری‌هایی را اتخاذ کرد که به سود زحمتکشان و در جهت پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی عملکرد بیابد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن محکوم ساختن هرگونه اقدامی که به محدودیت اجتماعی حقوق زنان بیانجامد، معتقد است که باید قاطعانه علیه روابط و باورهای پوسیده‌ای که شخصیت اجتماعی زن را لگدمال کرده و زن را تا حد یک "عروسک" تنزل می‌دهد مبارزه شود. ما معتقدیم مبارزه برای کسب حقوق اجتماعی زنان را می‌باید در راستای پیشرفت مبارزه ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای قهرمان ایران سازمان داد.

ما از همه زنان و مردان آگاه و مبارز ایران مصرأ می‌خواهیم که با فعالیتهای پیگیر آگاهگرانه میان مردم اجازه ندهند، جبهه سرمایه‌داری وابسته و ایادی امپریالیسم امریکا، به سود خود از طرح اجباری کردن حجاب اسلامی بهره برداری کنند.

ما ضمن حمایت کامل از حقوق دمکراتیک نوده‌ها از جمله حق برابری کامل زن و مرد در همه شئون اجتماعی، از همه زنان آگاه و مبارز می‌خواهیم نیروی خود را در راه مبارزه با امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن بسیج کنند. فقط با نابودی کامل سلطه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن است که زنان و مردان مبارز و زحمتکش ایران حقوق دمکراتیک خود را باز می‌یابند.

بقیه از صفحه ۱۶

مبارزه پیگیر با نیروهای وابسته ...

این همه ارتش با ۱۴ ساعت تاخیر یعنی پس از پایان درگیری وارد منطقه می‌شود. مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران غرب کشور می‌گوید: "قرار بر این بود که ارتش هم بعنوان پشتیبانی به سمت منطقه درگیری حرکت کند که متأسفانه نمی‌دانم به چه دلایلی ارتش تاخیر کرد!"

واقعیت این است که فرماندهان ارتش که مشوق سیاست جنگ در کردستان هستند، همواره کوشیده‌اند نیروهای انقلابی و مردم کردستان را سرکوب کنند.

فرماندهان ارتش همواره از درگیری با فرماندهان فراری و با مزدوران پالیزیان و اویسی و سایر کسانی که از جانب امپریالیسم حمایت می‌شوند، طفره رفته‌اند و پیوسته کوشیده‌اند با گسترش دامنه جنگ علیه نیروهای انقلابی و علیه مردم کردستان، آذهان عمومی را از توجه به رشد نیروهای ضد انقلابی منحرف سازند.

چگونه است که امروز با آن که نیروهای ضدانقلابی زیر فرمان پالیزیان و اویسی تهاجمات خود را تا درون قهرمانشهر (کرمانشاه سابق) گسترش می‌دهند، با مقاومت ارتش روبرو نمی‌شوند؟! چرا ارتش و مقامات دولتی هیچ اطلاعی از نفوذ و گسترش پایگاه‌های نیروهای مورد حمایت امپریالیسم امریکا به مردم ایران نمی‌دهند اما در عوض پیوسته از خطر نیروهای انقلابی دم می‌زنند؟! اینک در اثر سیاست‌های

چندین تن از عوامل مزدور پالیزیان را از پای درآوردیم فشتگهایم تمام شد. با زحمت زیاد و زیر رگبار مزدوران موفق شدم اسلحه یکی از مزدوران کشته شده را برداشته و به تیراندازی ادامه دهم. ما تا تاریکی شب در مقابل مزدوران که تعدادشان هم زیاد بود، ایستادگی کردیم و سپس در تاریکی شب به گزند بازگشتیم.

پس از بازگشت به گزند، هواداران سازمان در این منطقه ساعت ۱۱ صبح روز ۱۵ تیر ۵۹ (بعد از انتقال زخمی‌ها) طی اعلامیه‌ای آمادگی خود را برای سرکوب مزدوران پالیزیان و سایر عوامل وابسته به امپریالیسم را اعلام نموده و حمایت خود را از پاسداران اعلام کردند و برای مقابله قاطعانه با تهاجم ضدانقلابی دار و دسته بختیار - پالیزیان به هواداران و مردم منطقه رهنمود دادند.

نزدیکی‌های غروب روز ۱۵ تیر ۵۹ پاسداران با شعارهای مذهبی روانه مسجد گردیدند. این عمل در رابطه با شهادت یکی از اعضای جهاد سازندگی صورت گرفت. هواداران سازمان نیز در این مراسم شرکت کردند. نکته قابل توجه این است که در این درگیری ارتش هیچ اقدامی نکرد. با این که از قبل به ارتش اطلاع داده و تقاضای پشتیبانی کرده و آنها نیز موافقت خود را اعلام کرده بودند، ولی با

جنگ افروزان دولت و فرماندهان ارتش، هزاران نیروی مزدور مسلح توانسته‌اند دامنه نفوذ خود را در غرب ایران گسترش دهند و به صورت خطری جدی دستاوردهای انقلاب مردم ایران را تهدید کنند. در چنین شرایطی حاکمیت به جای چاره اندیشی، بجای به کار گرفتن تمامی نیروها علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن، علیرغم شکیبایی انقلابی و تلاشهای صلح طلبانه، انقلابیون کمونیست که از احساس عمیق مسئولیت نسبت به سرنوشت انقلاب ناشی می‌شود، همچنان بر سیاست جنگ - افروزان خود اصرار دارد. منشور جنگ برادرکشی مجلس شورای اسلامی، و گسترش جنگ و سرکوب در کردستان و اعدام انقلابیون تنها گوشه‌هایی از توطئه‌های رو به افزایش علیه خلق قهرمان کرد و علیه اتحاد نیروهای مترقی را نشان می‌دهد.

سازمان ما با توجه به شرایط حساس کنونی و با شناخت عمیق ضرورتهای جنبش ضدامپریالیستی میهنمان، پیوسته بر برقراری صلح عادلانه در کردستان و به کارگیری تمام توان رزمندگی خلق کرد در مبارزه با ضدانقلاب بای نمرده است. ما بار دیگر اعلام می‌داریم که ادامه جنگ در کردستان و ادامه سیاست نفاق افکنی میان مردم تنها زمینه مناسبی برای رشد و گسترش نیروهای ضدانقلابی فراهم می‌سازد. این سیاست هم اکنون همه دستاوردهای انقلاب را با خطر جدی روبرو ساخته است.

اعلامیه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (کرنده غرب)

دوستان و هواداران! به منظور منطقی ساختن باند ضدانقلابی بختیار - پالیزیان و خنثی نمودن توطئه‌های آنان که اینک با تهاجماتی چون گروگان‌گیری، خرم‌سوزی، غارت اموال و احشام روستائیان زحمتکش و کشتار آنان و با ایجاد نا امنی باعث وحشت و آرزای زحمتکشان منطقه شده‌اند، ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در کرنده غرب، از تمامی هواداران سازمان در کرنده جدا می‌خواهیم که به نکات زیر توجه نمایند:

- ۱- با بوجود آوردن دستجات منظم به سپاه پاسداران مراجعه نموده و آمادگی خود را برای سرکوب ضدانقلابیون اعلام نمایند.
- ۲- با تشکیل گروه‌های امداد در نقل و انتقال شهدا و زخمیان و مداوای آنان تمام توان انقلابی خود را بکار گیرند.
- ۳- ارتباطها و رفت و آمدهای مشکوک جاشها و پایگاه‌های داخلی باند ضدانقلابی بختیار - پالیزیان را دقیقاً کنترل نمایند.
- ۴- با تمام نیرو توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکای جهان‌خوار و پایگاه‌های داخلی‌شان را برای زحمتکشان کرد و حومه افشاء نمایند.
- ۵- ضرورت همکاری مردم با سپاه پاسداران را با تمام انرژی انقلابی خود برای زحمتکشان توضیح دهید.
- ۶- لازم است هواداران در اجرای تمام موارد فوق با خط و مرز مشخص سازمان حرکت نمایند.

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کرنده غرب - ۱۰ تیر ۵۹

بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

محاكمه علنی امیرانتظام را به افشای همه جانبه سرمایه داران لیبرال مبدل کنیم!

• در افشای سرمایه داران لیبرال و دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا بکوشیم!

کند. این عمل دولت جمهوری اسلامی تلاشی است در جهت مخدوش کردن مرز میان محافل وابسته به امپریالیسم امریکایی و انقلابی خلق به ویژه سازمان مجاهدین خلق ایران. این عمل که نتیجه سیاست کینه - توزانه حزب جمهوری اسلامی و محافل وابسته به آن نسبت به نیروهای انقلابی است، از سوئی وحدت توده های میلیونی ایران را بیش از پیش به مخاطره می اندازد و سوی دیگر باعث اعتبار و حیثیت برای محافل وابسته به امپریالیسم می شود. بنا بر این چنین عملی مشخصا به سود امپریالیسم و متحدان داخلی آن است.

مردم آگاه ما، ضمن محکوم کردن اقدامات کینه - توزانه علیه نیروهای انقلابی خواهان محاکمه علنی امیر انتظام می باشند. محاکمه علنی انتظام و افشای کامل فعالیت های او و دیگر دوستانش در این شرایط حساس می تواند به روشن شدن هرچه بیشتر چهره واقعی لیبرال ها کمک نموده و اهداف ضدانقلابی آنان را در برابر توده های زحمتکش به قضاوت گذارد. محاکمه علنی و انقلابی امیرانتظام گامی است در جهت سلب اعتماد توده های مردم از سرمایه داران لیبرال و ضربه ای است بر پیکر فرتوت امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا!

وابسته و مبارزه فاطح در جهت قطع وابستگی های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی نظامی و فرهنگی... بلکه تنها در مبارزه با مظاهر و فرهنگ امپریالیستی و دیگر جنبه های روبنایی آن خلاصه کرده است و از همین رو راه مماشات و دوستی با سرمایه داران لیبرال را در پیش گرفته است، ضربات سختی بر جنبش و رشد آگاهی سیاسی توده ها وارد می آورد.

مردم ما فراموش نکرده اند که بسیاری از انقلابیون کمونیست تنها پس از مدت کوتاهی که از دستگیری شان - به بهانه های کاملاً واهی و دروغین - می گذشت، بدون هیچگونه محاکمهای اعدام شده اند در حالیکه پس از ماه ها هنوز هم از محاکمه امیر انتظام جاسوس امریکائی خبری نیست و تازه به گفته خود مقامات رسمی او از درون زندان هم به توطئه مشغول است.

حکومت جمهوری اسلامی امروز نیز که پس از ماهها مسئله محاکمه امیر انتظام را مطرح ساخته است، می خواهد آن را با محاکمه مجاهد خلق، محمد رضا سعادت که سالها علیه رژیم شاهنشاهی، علیه امپریالیسم امریکا و علیه امثال امیر انتظامها مبارزه کرده است و با اتهام واهی توسط کمیته پشت سفارت امریکا، بازداشت شده است و نیز با محاکمه تقی شهرام که سابقه طولانی مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم امریکا دارد، همراه و همزمان آغاز

دستجات مسلح فتودالها و بقایای ساواک منحلہ حمایت می کنند و بعضا رهبری آنها را بر عهده دارند، می کوشند تا هرچه سریع تر قدرت سیاسی را قبضه کرده و یک حکومت سرسپرده امریکائی را روی کار آورند تا به نگرانی امپریالیسم از اوضاع ایران و رشد روز افزون جنبش انقلابی خلق پایان دهند.

از همین رو مبارزه قاطع با سرمایه داران لیبرال که مجریان سیاست امپریالیسم جهانی هستند، ضامن ادامه و رشد و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران است. افشای سرمایه داران لیبرال و دیگر متحدین امپریالیسم، سلب اعتماد توده های مردم از آنان و انفراد و سرکوب آنها بعنوان پایگاه امپریالیسم در ایران از وظایف مبرم انقلابیون کمونیست است.

اکنون با توجه به موقعیت عمومی جنبش و رشد نارضایتی های مردم، لزوم مبارزه با لیبرالها که بیشترین استفاده را از شرایط کنونی می برند، بسیار ضروری است. افشای سرمایه داران لیبرال و باندها و محافل وابسته به امپریالیسم در رشد و آگاهی سیاسی مردم و قضاوت صحیح آنها درباره دوستان و دشمنان مردم و انقلاب نقش درجه اول دارد.

جمهوری اسلامی ایران بنا بر بینش طبقاتی و درک محدودش، مبارزه با امپریالیسم را نه در مبارزه بی رحمانه با سرمایه داری

حکومت" در واقع هدفی نداشتند جز تعدیل دیکتاتوری شاه و شرکت در قدرت سیاسی بدون اینکه خواستار هیچگونه مبارزه جدی علیه امپریالیسم باشند پس از قیام و سقوط دیکتاتوری شاه، سرمایه داران لیبرال به پشتگرمی بازرگان "نخست وزیر منتخب امام" و دولت او به پایگاه عمده پیشبرد سیاستهای امپریالیسم در ایران تبدیل شدند. لیبرالها کوشیدند تا با جلوگیری از تخریب بیشتر دستگاه های بوروکراسی و ارتش وابسته و بازسازی مناسبات سرمایه داری از طریق جلب مجدد سرمایه های سرمایه داران فراری، سازماندهی مجدد تولید آنطور که منافع آنان را تامین کند و... از ضربه خوردن بیشتر امپریالیسم جلوگیری کرده و "گام به گام" موقعیت از دست رفته را جبران سازند. بدینگونه آنها پاسدار منافع امپریالیسم در ایران شدند. امیر انتظام سخنگوی دولت موقت بازرگان و سپس سفیر ایران در سوئد طرفدار و نماینده این بخش از سرمایه داران ایران بود. در جمهوری اسلامی ایران، دوستان و جاسوسان امپریالیسم از همان روزهای قیام در بسیاری از دستگاه های حکومتی، لانه کرده و از درون و بیرون دولت هدفهای ضدانقلابی خود را دنبال کردند. اجزای و محافل لیبرالی که اکنون آشکارا از تلاشهای امپریالیستی همه باندها و کانون های ضدانقلابی ارتش،

پس از مدتها که از دستگیری "عباس امیرانتظام" به جرم جاسوسی برای امپریالیسم امریکا می گذرد، گوشه های از توطئه ها و نقشه های او توسط دادستان انقلاب اسلامی فاش شد. دادستان انقلاب اسلامی پس از ماهها "تحقیق" از امیرانتظام گوشه هایی از همان حقایق را بازگو کرد که بارها و بارها توسط سازمان ما در نشریه "کار" عنوان شده بود و هر بار چهره امپریالیسم و متحدینش را در نزد توده های مردم بی اعتبار ساخته بود. اکنون مردم یکبار دیگر به صحت افشاکاری فدائیان خلق پی می برند. افشای ناقص گوشه هایی از اتهامات امیرانتظام - که پس از ماهها و آنهم بسیار محتاطانه صورت گرفته است - در واقع نشانگر بخش ناچیزی از تلاشهای ضدانقلابی سرمایه داران لیبرال و دیگر دوستان و جاسوسان امپریالیسم جهانی می باشد که دمی از توطئه علیه منافع خلقهای ما باز نمی ایستند.

از همان روزهایی که مبارزات میلیونی توده های مردم اوج می گرفت و پایه های سلطه امپریالیسم را در میهن ما به لرزه انداخت، بخشی از طبقه سرمایه دار ایران کوشش کرد که تنها با گرفتن برخی "امتیازات" از رژیم دیکتاتوری شاه به نفع خود امپریالیسم امریکا را از زیر ضربات جنبش خلق رهائی بخشد. این بخش از طبقه سرمایه دار ایران یعنی همان سرمایه داران لیبرال با شعار "شاه باید سلطنت کند، نه

احکام جنایتکارانه دادگاه انقلاب اسلامی اهواز بسود امپریالیسم امریکا است

* دلیل اعدام دکتر نریمی سا این بوده است که با آرمان فدائیان خلق به درمان زحمتکشان خوزستان می پرداخت.

حوادث خونین دانشگاه اهواز که به دستور مستقیم دست اندکاران دادگاه انقلاب اسلامی اهواز و همکاری "عرضی" استاندار خوزستان (سردسته ربابندگان فرزندان آیتاله طالقانی) ایجاد شد، نمونه ای از وحشیگری و جنایتکاری این عناصر بود. آنها با بسیج مستی اوباش دهها تن از دانشجویان و مردم زحمتکش اهواز را کشتند و یا مجروح ساختند و در پی آن عده ای از دانشجویان را که در سالن شهرداری بازداشت کرده بودند، تنها به جرم آن که سرود می خواندند و یا به ادعای قضاوت قصد فرار از سالن شهرداری را داشتند،

به جوخه آتش سپردند، عده ای از مجروحان را در آب خفه کردند و کاری کردند که تاکنون کمتر جنایتکاری توانسته بود بدان دست زند دادگاه انقلاب اهواز که ساواکی های جنایتکار را دسته دسته از زندان آزاد می کند، انقلابیونی را به جوخه اعدام می سپارد که سالها به جرم دفاع از منافع زحمتکشان تحت تعقیب و شکنجه ساواک قرار داشته اند. به دستور این دادگاه کسانی در سالن

شهرداری به گلوله بسته می شوند که در جریان قیام پرشکوه بهمن بیانگر بزرگترین دلاوری ها و جانبازی های مردم ایران بوده اند. دادگاه انقلاب اسلامی اهواز در سحرگاه روز ۸ تیرماه فدائی خلق دکتر نریمی سا را به جوخه آتش می سپارد و هنگامی که مردم آگاه ایران از عمق جنایات تکان دهنده آن مطلع می شوند، در کمال بیشرمی از جنایات خود بدینگونه دفاع می کند:

"اگر چه ادعا شده، مشارالیه وقت خود را صرف درمان طبقه مستضعف در درمانگاهی واقع در محله حصیرآباد اهواز سپری نموده ولی باید خاطر نشان کرد که درمانگاه مزبور کانون فعالیت هواداران فدائیان خلق بوده که به علت اقدامات ضد انقلابی و توطئه و خرابکاری فراد و اداره کنندگان آن، به حالت تعطیل درآمده و فعلا با تعویض کادر آن شروع

به فعالیت نموده است. این امور به خوبی نشان می دهد که اگر این شخص در امر پزشکی و معالجه بیماران خدمتی کرده در چه جهت و به چه منظوری بوده است! آیا سزاوار است که سرنوشت زنان و مردان و کودکان مسلمان ما با زیچه دست افراد می شود...!"

دلیل عمده اعدام دکتر نریمی سا، آنطور که خود دادگاه عنوان کرده است این بوده که دکتر نریمی سا با آرمان فدائیان خلق به درمان زحمتکشان خوزستان می پرداخت! آیا هیچ دادگاهی تا کنون جرئت پیدا کرده است به دلایلی نظیر دلیل فوق کسی را بقیه در صفحه ۱۴

پیام کارگران پیشرو صنعت جنوب "پالایشگاه آبادان"

به مناسبت هشت تیر سالروز شهادت فدائیان خلق

رفقا! لحظات طوفانزا و تندپیچ‌های تاریخی را از سر می‌گذرانیم. جنبش توده‌ای به ویژه جنبش کمونیستی و طلابه‌دار آن سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هم اکنون آماج حملات لجام گسیخته و خصومت آمیزی از سوی بورژوازی وابسته ایران، این دشمن طبقاتی پرولتاریا و زحمتکشان ایران، واقع شده است. هم اکنون از یک طرف اقدامات ضددمکراتیک و تبلیغات کین‌توزانه و مسموم کننده حاکمیت و از طرف دیگر ضربات ناشی از عملکردهای اپورتونیسیم چپ و راست در درون جنبش کمونیستی، زمینه ضربه‌پذیری و تضعیف جنبش کارگری و کمونیستی را وسعت بخشیده است.

ما کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب - پالایشگاه

آبادان با درک ضرورت‌های تاریخی و با احساس مسئولیت انقلابی، خود را از سلاله فدائیان می‌دانیم که راه سرخ و خونبار پویندگان راه رهائی کارگران و زحمتکشان را با قاطعیت و عزمی آهنین می‌پیمایند. ما با ایمان تزلزل‌ناپذیر خود، وفادار به رهنمودهای تحرک بخش سوسیال - دمکراتیک سازمان گرایش‌های ماجراجویانه و سازش طلبانه جریانهای مدعی رهبری طبقه کارگر را که به ویژه در یکساله اخیر به جنبش کارگری میهنمان ضربات هولناکی را وارد آورده‌است، خیانت به آرمانهای پرولتاریای ایران و دستاوردهای خونبار مبارزات توده‌های میهنمان می‌دانیم. باشد که "کارگران پیشرو" سراسر ایران در پیوند گسست‌ناپذیر با جنبش کمونیستی و

در راس آن سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، حزب انقلابی طبقه کارگر ایران را با افراشتن پرچم مارکسیسم - لنینیسم سازمان دهند. بگذار ریشه مرگ بر پیکر بورژوازی این دشمن طبقاتی کارگران و زحمتکشان ایران افکنده شود، سپاه سردار بزرگ پرولتاریا - "کارگران پیشرو" سراسر ایران دوشادوش رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، افتخار والای عضویت در حزب انقلابی طبقه کارگر ایران را به خود تعلق خواهند داد! گرامی باد یاد شهدای بخون خفته خلق پیش بسوی حزب طبقه کارگر ایران

مرگ بر امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم امریکا
کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب - پالایشگاه آبادان

پیام کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب اهواز

به مناسبت هشت تیر سالروز شهادت فدائیان خلق

رفقا! در آستانه سالروز ۸ تیرماه ۱۳۵۵، روزی که رفقای فدائی در راه رهائی خلقهای ایران و در مقابله با رژیم وابسته در مصافی خونین دلاورانان جان باختند. جنبش طبقه کارگر ایران را در شرایطی می‌بینیم که از هرسو در محاصره دشمنان طبقاتی خود فرصت طلبان رنگارنگ قرار گرفته است.

رفقای فدائی ما گو اینکه نتوانستند پیوند لازم را در جریان مبارزات خود با طبقه کارگر برقرار نموده و این طبقه را در مصاف با امپریالیسم سازماندهی نمایند، لیکن آرمان‌شان پیروزی طبقه کارگر بود و در این راه تا پای جان ایستادند و مرگ را در راه رهائی طبقه کارگر به هیچ گرفتند.

طبقه کارگر ایران که توانسته است به پشتوانه سالها مبارزه بی‌امان خود با امپریالیسم و دیکتاتوری دست نشانده آن و نیز در ادامه مبارزات خود برای برکندن ریشه‌های سلطه امپریالیسم جهانی به پیروزی‌های چشم‌گیری دست یابد، نه تنها باید با دشمنان طبقاتی تاریخی خود در مصافی پیگیر به مقابله برخیزد و هر روز صفوف خود را مستحکم‌تر نماید بلکه باید علیه آن جریانهای که با رخنه در جنبش طبقه کارگر آن را از مسیر تاریخی آن منحرف می‌نمایند نیز بی‌وقفه پیکار کند. امروز ما شاهدیم که "حزب توده" در ادامه سیاستهای تجدیدنظرطلبانه و ضدکارگری خود همچنان می‌کوشد تا طبقه کارگر را نه به صورت رهبر مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران بلکه به صورت دنباله‌رو جریانهای بورژوازی و خرده-بورژوازی درآورد.

"حزب توده" با فداکردن آرمان طبقه کارگر در پای خرده‌بورژوازی عملاً ضرورت تاریخی و محتوم شکل و سازماندهی طبقه کارگر را برای به دست گرفتن رهبری مرحله انقلاب به فراموشی

سپرده و بدین ترتیب به آرمان طبقه کارگر خیانت می‌کند.

از سوی دیگر جریانهای مختلف آنارشویستی نیز (که خود درحقیقت آن روی سکه اپورتونیسیم راست حزب توده هستند و چه خواهند و چه نخواهند در پیوند با آن بوده و آن را تغذیه نموده و از آن تغذیه می‌شوند) تلاش می‌کنند بجای تحکیم پیوند با طبقه کارگر از طریق بالا بردن آگاهی، وحدت تشکیلاتی، تشکیل حزب برای رهبری مرحله انقلاب، خود به جای طبقه کارگر انقلاب کنند.

ما کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب (اهواز) ضمن تاکید بر پیوند استوار خود با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بر زمینه تجربیات سالها مبارزه خونین طبقه کارگر ایران و کارگران و زحمتکشان جهان اعلام می‌داریم که:

۱- در چنین مرحله‌ای از مبارزات خونین خلقهای ایران بر سمت گیری هرچه بیشتر و روز افزون تمامی نیروها علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و تمامی مظاهر آن تاکید می‌کنیم.

۲- پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران را تنها به رهبری طبقه کارگر امکان‌پذیر می‌دانیم و هر جریانی را که فرصت طلبانه قصد رخنه اندیشه‌های غیر پرولتری در جنبش طبقه کارگر، تعویق تشکیل حزب این طبقه، و سپردن رهبری جنبش به جریانهای غیر پرولتری را داشته باشد، محکوم می‌کنیم

دراعتزازباد
پرچم پیکار ضد امپریالیستی
طبقه کارگر ایران
مرگ بر امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم امریکا
و عوامل داخلی آن

کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب - اهواز ۷ تیر ۵۹

پیام کارگران پیشرو "صنایع فولاد و نورد اهواز"

به مناسبت هشت تیر سالروز شهادت فدائیان خلق

اینک چهار سال از شهادت قهرمانانه افتخار - آفرینان خلق می‌گذرد. در این روز تاریخی رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق که ملو از تجربیات گران، خونبار و ارزشمندی بود، دستخوش یورش ناجوانمردانه ارتجاع وابسته به امپریالیسم واقع شد و سازمانی که در نتیجه مبارزات چندین ساله و ضربات متعدد در حال تکامل و تکوین بود و می‌رفت تا به کلی بر اصول جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم تکیه زند، محکوم به وقفه‌ای طولانی و رشدی بطئی گردید راهی که چهار سال به طول انجامید و علیرغم عبور از قیام خونین خلق هنوز به پایان خود نرسیده است! اگر از این زاویه به قضاوت بنشینیم، به جرئت می‌توان گفت که اگر ضربات وحشتناک این روز خونبار نبود، چه بسا سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خیلی زودتر از این به نتایج انقلابی کنونی خود رسیده بود و پیوند خویش را با طبقه کارگر ایران برقرار می‌کرد و در جهت تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر گام‌های استوار بر می‌داشت.

ما کارگران پیشرو صنایع فولاد و نورد با احساس مسئولیت عظیم در قبال جنبش کارگری، وظیفه خود می‌دانیم تا در جهت پیوند جنبش کمونیستی و کارگری بکوشیم و در این راه تمامی توان خویش را به کار گیریم.

ما کارگران پیشرو صنایع فولاد و نورد وظیفه خود می‌دانیم با تمامی گرایش‌های انحرافی درون جنبش کارگری به مبارزه برخیزیم و در این راه از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد.

ما کارگران پیشرو صنایع فولاد و نورد پویندگان راستین راه فدائیان شهید را آنهایی نمی‌دانیم که بدنبال تخیلات کودگانه خود از واقعیات سخت زمینی و حرکت متین پرولتری چشم می‌پوشند و علیرغم مسئولیت‌های سنگین تاریخی طبقاتی خود، بدنباله‌روی از تفکرات ماجراجویانه می‌پردازند بلکه آنانی را می‌دانیم که قوه محرکه انقلابی‌گریشان درک ضرورت‌های تاریخی مشخص انقلاب رهائی بخش ایران است و راه واقعی و عملی بردن آگاهی سوسیالیستی به درون طبقه کارگر را با قاطعیت دنبال می‌نمایند.

ما کارگران پیشرو صنایع فولاد و نورد تلاشهای پیگیرانه و مصممانه رفقای بقیه در صفحه ۱۵

رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق دشمن خلق های پاکستان و منطقه و نوکر سر سپرده امپریالیسم امریکا

توضیح: ملاقات های پی در پی قطب زاده وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با آقا شاهي مشاور امور خارجي ضیاء الحق، حبیب شطی دبیر کل کنفرانس کشورهای اسلامی و نمایندگان فئودال ها و مرتجعین افغانستان خشم و نفرت عمیق کارگران، زحمتکشان، روشنفکران انقلابی و تمام کسانی را که علیه امپریالیسم و سرپرده گانش مبارزه می کنند برانگیخته است.

مردم انقلابی ما به خوبی شاهدند که چگونه قطب زاده و شرکایش سعی دارند با سوء استفاده از حیثیت مبارزه انقلابی خلق های ایران، امپریالیست ها و سرپرده گانشان را دوست خلق ها جلوه گر سازند و آنها را تطهیر نمایند. ما در مورد این مذاکرات و اهداف آنها بارها سخن گفته و بازهم خواهیم گفت. اما در اینجا تکیه خود را بر افشای رژیم سر سپرده ضیاء الحق قرار داده ایم و نشان خواهیم داد که رژیم ضیاء الحق که امروز خود را به عنوان ناجی مردم افغانستان نشان می دهد دشمن خلق های پاکستان، افغانستان و منطقه است و هرگونه همراهی و همکاری با این رژیم به معنی همکاری و همراهی با امپریالیسم است.

● نظری کوتاه بر پیدایش پاکستان

پاکستان تا قبل از اعلام استقلال آن در سال ۱۳۲۶ (۱۹۴۷) به همراه هندوستان و بنگلادش به عنوان یک مجموعه واحد جزو مستعمران دولت انگلستان بود. وضعیت جغرافیایی و جوی پاکستان باعث کندي رشد کشاورزی در این کشور شده بود و مردم پاکستان بطور عمده از طریق دامداری زندگی می کردند. سیستم خانجانی "سردارها" که اساساً از مردم مالیات اخذ

● پس از کودتای ضیاءالحق (۱۹۷۷) صناعی که در زمان بوتو ظاهر "ملی" شده بودند، علناً به صاحبان آن یعنی انحصارات امپریالیستی واگذار گردید و شرایط سرمایه گذاری های خارجی تسهیل گردید. اصلاحات بورژوازی بوتو کنار زده شد و رژیم دیکتاتوری پاکستان به شکل چهار نعل به طرف وابستگی هرچه عمیق تر به امپریالیسم پیش رفت.

می کردند و ارتش های کوچک خود را داشتند در کنار استعمارگران بر کشور حاکم بود. "سردارها" در همکاری با دولت استعماری انگلستان نفرت موزد نیاز ارتش انگلستان را تامین می کردند و در مواقع لزوم به کمک این ارتش می شتافتند. جمعیت پاکستان را بطور عمده مسلمانان تشکیل می دهند (۸۰٪ سنی و ۲۰ درصد شیعه).

همزمان با رشد جنبش استقلال طلبانه در هندوستان به رهبری گاندی و تشکیل "کنگره ملی هندوستان"، بوروکرات ها و منحصمین پاکستانی (که در خارج تحصیل کرده بودند) و پایگاه طبقاتی شان قشر متوسط جامعه بود در "اتحادیه سراسری مسلمانان هندوستان" گرد آمدند و خواستار تشکیل دولت مستقلی به نام پاکستان شدند. این قشر که در دهه ۱۹۴۰ به نمایندگان سرمایه داری وابسته پاکستان تبدیل شد رهبری قشر متوسط را از دست داد و توانست "جنبش پاکستان" را بطور کامل در دست خود بگیرد. در سال ۱۹۴۰ برای اولین بار در قطعنامه معروف لاهور مسئله تشکیل دولت مستقل پاکستان مطرح گردید این قطعنامه بسیار گنگ و مبهم طرح شده بود و اهداف

آن کاملاً روشن نبود. مسئله تشکیل دولت مستقل پاکستان (مشمول بر پاکستان فعلی و بنگلادش) تا سال ۱۹۴۶ هنوز مطرح نشده بود و حتی در آن زمان نیز مرزهای پاکستانی را که مورد تقاضا بود روشن نساخته بود. محمدعلی جناح که رهبری این حرکت را در دست داشت خود می گفت مجبور شده است "به سگ اسم بدی بدهد و بعد اعدامش کند" این مسئله ماهیت جریانی که رهبری "جنبش پاکستان" را در دست خود گرفته بود بیشتر روشن می سازد.

سرنجام در سال ۱۹۴۷ (۱۳۲۶) همزمان با اوجگیری مبارزات استقلال طلبانه در هند، پاکستان رسماً به عنوان یک دولت مستقل موجودیت یافت.

● گسترش نفوذ اقتصادی

امپریالیسم امریکا در پاکستان

پس از تشکیل دولت پاکستان امپریالیسم امریکا که نسبت به سایر امپریالیست ها از موقعیت برتری در جهان برخوردار بود از طرق مختلف بطور عمده از طریق سازمان "AID" (کمک)، نفوذ اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را در پاکستان گسترش بخشید.

دلار وارد ساخت و این رقم تا سال ۱۹۸۵ به ۹۷۲ میلیون دلار خواهد رسید. واردات کودهای شیمیایی پاکستان از امریکا در سال ۱۹۶۰-۶۱ رقم ۵/۸۶ میلیون دلار، در سال ۱۹۶۴-۶۵ رقم ۴۱/۲۴ میلیون دلار و در ۶ ساله اول "انقلاب سبز" به ۲۵۰ میلیون دلار بالغ گردید. علاوه بر اینها دولت سرسپرده ایوب خان، منابع مالی پاکستان را صرف خرید قطعات یدکی مورد نیاز و نفت و بنزین برای "تراکتور" ها کرد. دولت پاکستان در سال ۱۹۷۰، ۱۱۶ میلیون گالن مواد نفتی به قیمت ۷ میلیون دلار از امریکا وارد کرد و این رقم در سال ۱۹۷۵ به ۱۹۵ میلیون دلار رسید. (نفت به قیمت ارزان از ایران خریداری شده و سپس با سودهای سرسام آور به پاکستان فروخته می شد).

وابستگی اقتصادی پاکستان از طریق کنترل واردات و صادرات این کشور به وسیله امپریالیست ها و بخصوص امپریالیسم امریکا با امضای قراردادهای دو جانبه ابعاد گسترده تری به خود گرفت. ماده ۶ موافقت نامه اقتصادی پاکستان و امریکا اعلام می دارد:

"دولت پاکستان بنا بر منافع شخصی دفاعی یا دولت ایالات متحده در زمینه قرار دادن معیارهایی برای کنترل تجارت با ملت هایی که حفظ صلح جهانی را به خطر انداخته اند، همکاری خواهد نمود."

سهم کشورهای مختلف از واردات پاکستان و مقایسه آن با صادرات (درصد)

کشور	۱۹۵۱-۵۶	۱۹۵۶-۶۱	۱۹۶۱-۶۶	۱۹۶۶-۷۱
امریکا	۶/۵	۲۳/۴	۳۷/۹	۲۹/۲
انگلستان	۲۰/۴	۱۷/۵	۱۵/۴	۱۰/۰
ایتالیا	۱/۴	۲/۷	۲/۷	۳/۹
آلمان غربی	۳/۲	۸/۵	۱۱/۵	۹/۸
ژاپن	۱۳/۵	۶/۰	۷/۹	۱۰/۲
فرانسه	۱/۳	۲/۶	۱/۴	۲/۷
جمع	۴۶/۳	۵۳/۶	۶۰/۷	۳۶/۰

این "کمک ها" قرض های کمر شکن با ربح بسیار بالا را "نصب" زحمتکشان پاکستان می کرد و به مصرف خرید کالاهای امریکائی می رسید. امپریالیسم امریکا بدین ترتیب مانند سایر برنامه های "کمک" اش بازارهای وسیعی را برای کالاهای خود به دست می آورد. امپریالیسم امریکا همواره سعی داشته است که ظاهر انسان دوستانه ای به این "کمک ها" بدهد. به عنوان مثال ۱۳/۳۱ درصد "کمک های" امریکا به پاکستان تا سال ۱۹۷۰ تحت نام "غذا برای صلح" انجام می گرفت.

● "انقلاب سبز" در پاکستان

در سال ۱۳۴۰ که امپریالیسم امریکا سیاست "انقلاب های" رنگارنگ خود را در جهان پیاده می کرد ("انقلاب سفید" در ایران و ...) "انقلاب سبز" را هم نصیب پاکستان نمود. فکر نمی کنیم بیش از این توضیح اضافی لازم باشد. چون زحمتکشان ما با توله دو قلوی این به اصطلاح انقلاب در ایران به اندازه کافی آشنا هستند، ما فقط به ذکر چند نمونه اکتفا می کنیم: تنها در خلال سال های ۷۰-۱۹۶۲ دولت سر سپرده پاکستان ۲۶۰۰۰ تراکتور از امریکا به قیمت ۵۵ میلیون

نمود. از نقطه نظر امپریالیست ها معنی کشورهایی که صلح را به خطر می اندازند، روشن است. علاوه بر این در سایر قراردادهای دو جانبه این مسئله به صراحت بیشتری بیان شده است و پاکستان طبق قرار داد نمی تواند با کشورهایی که جزو "لیست سیاه" امریکا هستند رابطه تجاری داشته باشد.

دولت امپریالیستی امریکا با استفاده از مهره سرسپرده محود ایوب خان (که در سال ۱۹۵۸ از طریق یک کودتا سر کار آمد) در سال ۱۹۴۶ "لیست آزاد" را به وجود آورد که به موجب آن هرگونه محدودیتی برای ورود کالاهای امریکائی به پاکستان لغو گردید. این قانون در سال ۱۹۶۵ (جنگ هند و پاکستان) تا حدودی محدود گردید، اما بعد از شکست پاکستان در جنگ، در سال ۱۹۷۱، دولت بوتو تحت فشار بانک جهانی آن را به شکل نوینی برقرار ساخت. واردات پاکستان در زمان ایوب خان به میزان ۶۵ درصد از صادرات کشور فرونی گرفت و ۶ کشور امپریالیستی صادر کنندگان اصلی کالا به پاکستان بودند. جدول زیر سهم وارداتی این کشورها و مقایسه آن را با صادرات پاکستان نشان می دهد. کمی دقت در جدول چگونگی جایگزینی امپریالیسم انگلستان به وسیله امریکا را نشان می دهد.

بقیه در صفحه ۱۵

هر گ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امپریالیسم امریکا

اخبار کارگری

● حسین قاسمی مطلق
۴۳ سال درکنار کوره‌ها
تدریجاً سوخت و جان سپرد
در صفحه ۱۶

● گرمی باد خاطره
مبارزات کارگران
نساچی قائم شهر
در صفحه ۱۶

● شورای کارخانه کانادادرای:
کارگران از نان خود می‌برند
ناکارخانه تعطیل نشود
در صفحه ۱۲

● نامه يك گازر سنگ کوب
به نشریه کار:
اگر ما کارگران اتحاد داشته باشیم...
در صفحه ۱۲

مبارزات کارگران کوره‌پزخانه‌ها

گزارشی از

موج حرکات اعتراضی و اعتصابات کارگری در کوره‌پزخانه‌ها، معمولاً در بهار یا آبان می‌گیرد. در شماره‌های اخیر "کار" گزارش‌هایی از اعتصابات ۵۰۰۰ کارگر کوره‌پزخانه‌های تهران و ۲۰۰۰ کارگر کوره‌پزخانه‌های کاشان داشتیم. عمومیت و همزمانی این اعتصابات ناشی از ویژگی کار کوره‌پزخانه‌ها و شرایط مشابه‌شان است. چون کار کوره‌ها در ۶ ماه بهار و تابستان جریان دارد و هر سال در بهار (از همان آغاز کار) کارگران با توجه به سطح هزینه‌ها، خواسته‌هایشان را در مورد نرخ مزد و بهبود شرایط کار طرح می‌کنند. از این رو بهار هر سال، زمان حرکات اعتراضی و اعتصابات کارگری کوره‌پزخانه‌هاست. اینک نمونه‌های دیگری از این موج حرکات اعتراضی و اعتصابات را ذکر می‌کنیم:

کارگران باید در اتحادیه شوراها و سندیکاها متشکل شوند!

اعتصاب کارگران کوره‌پزخانه‌های حساسی - میهناد و برادران - میاندا و آب

واقع شد آن‌جنانکه کارگران برای تحقق خواسته‌های ریز بطور دسته‌جمعی دست از کار کشیدند:

- ۱- افزایش دستمزد از ۸۰ تومان به ۱۱۰ تومان (در آذر هر ۱۰۰۰ خشت)
 - ۲- صدور دفترچه بیمه
 - ۳- رسیدگی به بهداشت محیط کار و احداث حمام در محیط کار
- سراجم کارگران با اتحاد و بیگیری‌شان موفق شدند دستمزدشان را از ۸۰ تومان به ۱۱۰ تومان برسانند و خواسته‌های دیگرشان طرفی ۱۵ روز رسیدگی نمایند.

کارگران کوره‌پزخانه‌های عجب‌شیر نوطه ضدکارگری کارفرما را افشاء کردند

کارگران مبارز کوره‌پزخانه‌های عجب‌شیر به هنگام آغاز کار در کوره‌ها متوجه شدند که کارفرما کارگران را مجبور به امضای عهدنامه‌ای می‌کند که طبق آن حق اعتصاب، درخواست مسکن، سودویزه، حق اولاد، بیمه و غیره از آنان به کلی سلب می‌شود. کارگران آگاه با توضیح شفاهی و افشای آن برای همه کارگران و هم‌چنین با بخش اعلامیه و توزیع عهدنامه تحمیلی فوق‌الذکر، اقدامات ضدکارگری کارفرما را نه تنها در سطح کارگران کوره‌پزخانه‌ها بلکه برای اهالی روستا و شهر خود نیز افشاء کردند.

برای جلوگیری از گسترش دامنه اعتصاب یا افزایش کارمزد از ۸۰ تومان (در ۱۰۰۰ خشت) به ۱۰۰ تومان موافقت کردند اما کارگران با انتخاب نمایندگان از درون خود مبارزه برای تحقق دیگر خواسته‌هایشان را همچنان ادامه می‌دهند. آنچه که در طرح خواسته‌های فوق قابل توجه است، درک بالسنه مهم کارگران از شکل سندیکائی و شورائی است. در واحدهای کارگاهی و پراکنده، تشکل کارگری در قالب سندیکا کاربرد موثرتری دارد تا در قالب شورا و شورا در حال حاضر برای واحدهای بزرگ و متمرکز مناسب‌تر است تا برای کوره‌پزخانه‌ها و واحدهای سنگ‌بری‌ها و واحدهای معدنی است. این تشکلهای واقعی‌شان گام بردارند و به عبارت دیگر شوراهاى اعتصابی (کمیته‌موقت اعتصاب) واحدهای مختلف (کوره‌های مختلف) باید در جهت یک تشکل سندیکائی واحد و فراگیر به پیش بروند و تشکل واحدهای پراکنده و غیر متمرکز را در چهارچوب یک سندیکای واقعی فراگیر و واحد تحقق دهند.

اعتصابات کارگران کوره‌پزخانه‌های شهر کرد

۲۰۰۰ تن از کارگران کوره‌های آجرپزی شهر کرد خواستار اضافه دستمزد شدند در نیمه دوم اردیبهشت ماه از رادیو اطلاعاتیه‌ای پخش شد مبنی بر اینکه به کارگران خشت‌زن در آذر هر ۱۰۰۰ خشت ۸۰ تومان بیشتر پرداخت نخواهد شد. این مسئله مورد اعتراض کارگران

- ۱- افزایش دستمزد برای کلیه کارگران
- ۲- ایجاد حمام در محیط کار
- ۳- ایجاد وسائل و امکانات بهداشتی و رفاهی
- ۴- حق بیمه درمانی در تمام ایام سال باید از طرف کارفرمایان پرداخت گردد
- ۵- ایجاد سالن سهارخوری برای کارگران
- ۶- شورای کارگران در هر کارخانه باید توسط خود کارگران تشکیل یافته و توسط صاحبان کارخانه‌ها به رسمیت شناخته شود

کارگران پس از آنکه از طریق مراجعات مکررشان به اداره کار به نتیجه نرسیدند، سراجم بطور یکپارچه دست به اعتصاب زدند. کارفرمایان

نظام سرمایه‌داری قربانی دیگری گرفت

برق موقعی که کارگران مشغول کارند... و پس از ذکر علل واقعه... و مسئولین و مسئولین... را که به واسطه مظالم سود... جواب‌دهش و به انکای قوانین... و ضوابط صدکارگری، هرگونه... اجحاف و جنایتی را نوحیه... می‌نماید، شدیداً محکوم کرده و به آنان هشدار داده‌اند که: "زمزمه‌های ردیلانهای از این قبیل شنیده می‌شود که گویا این کارگر به علت فقر مادی و مشکلات زندگی‌اش اقدام به خودکشی کرده و یا اینکه با قصد سوئی اقدام به بار نمودن در اطاقک برق نموده و غیره... این عناصر ضد کارگر باید بدانند که توجیه تبهکارانه این جنایت سرمایه‌داری و لوٹ نمودن آن نه تنها ما کارگران شرکت لایکو را از بیگیری در امر افشاء عوامل و مسئولان این جنایت باز نخواهد داشت بلکه خشم و نفرت تمامی کارکنان شرکت را علیه مسبین و عوامل اینگونه جنایات افزون‌تر خواهد نمود نابود باد نظام سرمایه‌داری وابسته

- ۱- ترانس مزبور فاقد سیستم ایمنی لازم بود.
- ۲- محیط ترانس و محوطه حول آن فاقد هرگونه حفاظ و علائم خطر بود (اطافک تقسیم برق فاقد قفل و حفاظ و علامت خطر بود)
- ۳- کارگران شاغل در آن قسمت هیچگونه آموزش ایمنی از خطرات برق ندیده بودند
- ۴- عدم حضور سرپرست مسئول در محل کار
- ۵- و مهم‌تر از همه عدم توجه مسئولین به تقاضاهای مکرر کارگران در مورد قطع

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر - پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



زحمتکشان روستای "کهلان" (مراغه) با اقدامات انقلابی خود علیه ارباب، نمونه‌ای از اتحاد و همبستگی دهقانان را بنمایش گذاشتند

دادند و توسط آن در ۲۳ فروردین ۵۹ زمینهای ارباب را مصادره و تقسیم نمودند. هم‌اکنون زمینها در اختیار روستائیان است و باغ بزرگ ارباب نیز که تنها باغ روستا است، توسط شورا به خود روستائیان اجاره داده شده است. قرار است مبلغ اجاره بها توسط شورای ده صرف ساختن حمام شود.

زحمتکشان روستای "کهلان" با ادامه مبارزه خود مسلماً به پیروزی‌های باز هم بیشتری دست پیدا می‌کنند. آنها با اقدامات انقلابی خود علیه ارباب نمونه‌ای از اتحاد و همبستگی دهقانان را به نمایش گذاشته‌اند.

مبارزات خود بارها مورد تهدید ارباب و عواملش قرار گرفتند. اما این تهدیدها هیچگاه موثر نیفتاد. ارباب به آنها می‌گفت: "درختانی که شما گرفته‌اید، حرام است و شما در پیش خدا گناهکارید" و روستائیان کوچکترین اهمیتی به حرفهای او نمی‌دادند. آنها می‌دیدند کسی دارد از حلال و حرام صحبت می‌کند که از سراپای وجودش خون زحمتکشان بیرون می‌زند. آنها می‌دیدند که ارباب‌ها این حرفها را تنها و تنها به قصد فریب آنها به زبان می‌آورند.

سرانجام زحمتکشان روستا در ادامه مبارزات خود، شورای واقعی‌شان را تشکیل

روستای "کهلان" در ۱۵ کیلومتری مراغه واقع است. اهالی زحمتکش روستا نظیر تمام روستائیان میهنمان از ابتدائی‌ترین امکانات زندگی محروم‌اند. از بهداشت و برق و حمام در روستا اثری نیست. جاده خاکی ده چنان وضع اسفناکی دارد که در فصل بارندگی عبور و مرور از آن تقریباً ناممکن می‌شود. ساکنین زحمتکش روستا، حتی خانهای درست و حسابی برای سکونت ندارند.

شرایط طاقت‌فرسا زندگی سبب شد که اهالی مبارز ده در پائیز سال ۵۸ علیه ارباب دست به اقدامات انقلابی از قبیل مصادره درختهای اربابی بزنند. آنها طی

زحمتکشان "شیدان آباد" (ارومیه) زمین‌های غصب شده‌شان را مجدداً تصرف کردند

مصادره شده جلوگیری بعمل آورد لیکن در برابر استواری انقلابی روستائیان کاری از پیش نبرد.

زحمتکشان روستا در فروردین ماه ۵۹ زمینهای مصادره شده را کشت کردند و علاوه بر این مصمم‌اند که آنها را خود درو کنند و محصولش را که حق مسلم آنهاست، برداشت نمایند.

پس از قیام بهمن‌ماه، زحمتکشان "شیدان آباد" نیز نظیر دهقانان سراسر ایران با قدرت و اراده انقلابی خود زمینهای ارباب را مصادره کردند و در مهرماه ۵۸ آن را متحداً شخم زدند.

ارباب با کمک "کمیته مرکز" به سرپرستی "ملا فلاح" در صدد برآمد که با ارباب و فشار از کشت زمینهای

روستای "شیدان آباد" در منطقه "دیزج‌دول" در ۴۰ کیلومتری جاده ارومیه به مهاباد واقع شده است. در اولین سالهای پس از تقسیم اراضی رژیم ضد خلقی - پهلوی، ارباب ده "آقاخانی" به کمک اداره کشاورزی، بخش بزرگی از زمینهای دهقانان را از چنگشان بدرآورد.

چرا "اداره پاکسازی" می‌خواهد

از امرار معاش هزاران دهک دارنهرانی جلوگیری کند؟

اخیراً "اداره پاکسازی شهر تهران" اعلام داشته است که دهکهای سراسر تهران در ظرف ۴۸ ساعت باید از معابر عمومی جمع‌آوری شوند. این تصمیم مسئولان دولتی، خانواده هزاران تن از مردمی را که معیشت زندگی خود و خانواده خود را از راه خرده‌فروشی در این دهکها تامین می‌کنند، در خطر گرسنگی قرار می‌دهد.

دهکداران در شمار همان زحمتکشانی هستند که به نیروی عظیم خود رژیم شاهنشاهی را در ایران سرنگون ساخته و امروز به خاطر سیاست‌های دولت بسیاری از آنها زیر فشار بیکاری و گرسنگی طاقت فرسا قرار دارند.

ما ضمن محکوم ساختن این تصمیم دولت که به زیان هزاران تن از زحمتکشانی که از این راه امرار معاش می‌کنند و به سود مقاصد لیبرال‌ها گرفته شده است و ضمن حمایت از خواست برحق دهکداران که می‌خواهند مادام که دولت شرایط اشتغال آنان و صدها هزار بیکار را فراهم نکرده‌است دهکهای خود را حفظ کنند، از همه دهکداران مصری می‌خواهیم که با هشیاری تمام ایادی لیبرال‌ها و عناصر فرصت طلب را از صفوف فشرده خود برانند.

باج‌گیری از روستائیان "تاتار" ماکو

پول مطالبه می‌کرد! اما زحمتکشان روستا که به حق زمینهای روستا را از آن خود می‌دانند و می‌فهمند که بدون نیروی کار آنها، بدون رنج و زحمت شبانه‌روزی‌شان نه محصولی وجود خواهد داشت و نه روستائی، در مقابل این باج‌گیری بیش‌رمانه، ایستادگی نمودند. "عمر شریف" در برابر اراده انقلابی زحمتکشان روستا مجبور به عقب‌نشینی شده‌است و روستائیان همچنان به مبارزات خود ادامه می‌دهند آنها می‌خواهند برای همیشه از شر اربابان خلاص شوند، آنها می‌خواهند زمین از آن کسانی باشد که روی آن کار می‌کنند و به همین منظور در پی آنند که تمام زمینهای ارباب را مصادره کنند.

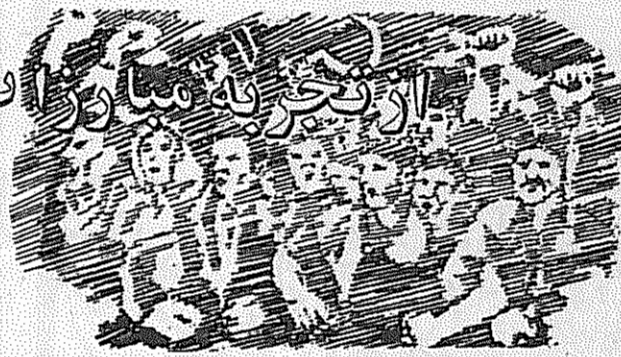
زمین‌های مزروعی روستای "تاتار" که از مناطق کردنشین ماکو است در مالکیت "حاجی احمد مرکزی سبزی" و "یوسف عمر شریف" که یکی از منفورترین عناصر منطقه‌است، قرار دارد. شخص اخیر از طرف سپاه پاسداران و مقامات دولتی که از بالا رفتن سطح آگاهی روستائیان سخت هراس دارند، مأمور شده است تا از ورود نیروهای مترقی و افراد آگاه به منطقه جلوگیری نماید. "یوسف عمر شریف" روستائیان بدون زمین را به اخراج از روستا تهدید نموده‌است اما روستائیان در مقابل وی مقاومت کرده و می‌کنند. چندی پیش شخص مذکور در قبال اقامت روستائیان در روستا مبلغ ۵۰۰ هزار تومان

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

(قسمت چهارم)

تجربه مبارزات زحمتکشان میهن مان درسی بگیریم

تجربه "پانزده ماه مبارزه دهقانان ترکمن صحرا در خدمت ارتقاء جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای سراسر ایران"



آن قرار داده بود، به استثنای چند نفر انگشت شمار، باقی کادرهای پیشگام را رفقای ترکمن تشکیل می دادند، مجموعه این مسائل باعث گردید که کانون جوانان پیشگام منطقه بیش از آنکه ارگانی همگانی باشد که امر تبلیغ و ترویج را در رابطه با همه زحمتکشان منطقه هدایت کند، به مثابه ارگانی مختص خلق ترکمن شناخته شد. بر این زمینه عینی، عوامل دیگری نظیر تضاد بین ملیت‌های مختلف با سو

بقیه در صفحه ۹

صورت گرفت. این امر در "بندر ترکمن" و "گمیش دغه" با موفقیت کامل پیش رفت و تمام کتابخانه‌ها بازسازی شدند و کار خود را مجدداً آغاز کردند. یکی از مسائلی که قبلاً کمتر به آن توجه می‌شد، حفظ استقلال "پیشگام" از ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا بود. امکانات و سازماندهی گسترده پیشگام در سطح شهر، عملاً امر تبلیغات شهری و تدارک راهپیمایی‌ها و میتینگ‌های ستاد مرکزی را بر عهده

عملکرد شوراهای ستاد مرکزی ارائه دهند. چپ‌روی‌ها و برحورد‌های غیر اصولی رفقای پیشگام در روستاها به این ترتیب، با دخالت رفقای تشکیلات تعدیل گردید اما پس از مدتی مشاهده شد که کانون جوانان پیشگام در واقع ارگانی است که جدا از مضمون مبارزات زحمتکشان روستاها شکل گرفته است و تنها فعالیت تبلیغی - ترویجی را در سطحی محدود و به سوهای بسیار ناپخته که به علت سطح نازل آگاهی جوانان روستا، تأثیرات معنی‌ساری می‌توانست داشته باشد، پیگیری می‌برد. پس از آغاز سال تحصیلی، تعدادی از جوانان روستاها که در شهرهای منطقه به تحصیل اشتغال داشتند در پیشگام بخش شهر سازماندهی شده و باقی رفقای روستاها در درون هسته‌های نیمه‌علنی در مناطق خود سازماندهی شدند و کار گزارش اوضاع منطقه و برخی وظایف تبلیغی - ترویجی را بر عهده گرفتند. این تجربه بعدها ارتقاء یافت و تشکیلات مستقل و مجزای پیشگام درون روستاها که چندان موفقیت آمیز نبود کنار گذاشته شد و تشکیل هسته‌های نیمه‌علنی - نیمه توده‌ها و آزاد نمودن انرژی کادرهای تشکیلات در دستور کار قرار گرفت. با طرح جدید، جوانان روستا زیر نظارت رفقای مسئول هر بخش، در رابطه با اتحادیه‌های روستایی و به منظور شرکت خلاق در فعالیت‌های آنها و سپس راهنمایی و ارتقاء سطح آگاهی‌شان سازماندهی شدند.

این تجربه بعدها و بخصوص پس از جنگ تحمیلی بهمن ماه ۵۸ به صورت کاملتری در برخی مناطق پیاده شد و تکامل یافت و در ساطق دیگری نیز در دستور کار قرار گرفت. در مناطقی که این تجربه به عمل در آمد - بسیاری از امور اجرایی توسط رفقای بومی روستاها که در رابطه با شوراهای و اتحادیه‌های روستایی قرار داشتند، انجام پذیرفت. کانون جوانان پیشگام شهرها نیز، علاوه بر متشکل نمودن دانش آموزان حول شوراهای مدارس، در زمینه سازماندهی آنان بر حسب محلات و مناطق شهر گام‌های مثبتی برداشت. کتابخانه‌های محلی در این زمینه نقش برجسته‌ای بازی می‌کردند. هر کتابخانه، مرکزی برای تجمع و کسب آگاهی و محلی برای تجمع و تشکل بود. کتابخانه‌های محلی همگی در ارگان‌های خاصی تحت نظارت رفقای پیشگام هماهنگ می‌گردیدند. پس از جنگ تحمیلی اخیر کتابخانه‌های شهر به دست پاسداران و عناصر ارتجاعی تماماً به آتش کشیده شد، لیکن پس از جنگ مجدداً در جهت گشایش آنها اقداماتی

و: پیشگام روستا ارگانی جدا از مضمون مبارزات توده‌ها که در عمل با شکست مواجه شد.

در اینجا لازم است که تجربه شکل گیری ارگان دیگری - پیشگام شهر و روستا - نیز مورد بررسی قرار گیرد. پیشگام روستا و عملکرد تأثیرات آن در این زمینه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

پس از جنگ فروردین ماه ۵۸ سازمان در راستای تحقق سیاست جان‌نشین نمودن ارگان‌های توده‌ای بجای "ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا" و نیز به منظور حفظ محتوای دمکراتیک "ستاد" و کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن کانون جوانان پیشگام گنبد را پایه گذاری کرد. وظیفه کانون گسترش و تعمیق کار تبلیغی - ترویجی سازمان در سطح جوانان اعم از دانش‌آموز، دانشجوی و معلم و تشکل و سازماندهی آنها بود. فعالیت کانون بلافاصله پس از جذب، آموزش و سازماندهی نیروهای مورد لزوم که با استفاده از حداقل امکانات فراهم آمده بود، در روستاها و شهرهای منطقه آغاز شد. کانون روستاها در جهت ایجاد تشکل‌های هسته‌ای از جوانان روستا و عمدتاً دانش آموزان و آموزش این هسته‌ها از جمله اقدامات کانون بود. در ابتدا قرار بود "کانون پیشگام" در فعالیت شوراهای شرکت داشته باشد، آنها را راهنمایی کند و بر انجام فعالیت‌هایشان نظارت نمایند، با جوانان روستاها در رابطه با مسائلی که در برابرشان قرار می‌گیرد، تماس برقرار کند برنامه‌های جمعی کوهنوردی، مسابقات خلاصه‌نویسی کتاب و نمایشگاه ترتیب دهد و... لیکن پس از گذشت چند ماه جوانان کم تجربه و کم سن و سال روستایی که آشنائی مقدماتی با مسائل علمی پیدا کرده بودند، از یک سو به گونه‌ای بی‌برنامه بحث‌هایی در زمینه مارکسیسم - لنینیسم را در روستاها دامن زدند و از طرف دیگر با دخالت شتابزده در امور شوراهای روستایی عملاً در برابر شوراهای و ریش سفیدان و فرهنگ سنتی منطقه قرار گرفتند. این امر درگیری‌هایی هرچند بسیار محدود بین پیشگامان و روستاها پدید آورد. زمین‌داران بزرگ و روحانیون طرفدار آنان نیز که از هر فرصتی برای نفاق افکنی در صفوف زحمتکشان استفاده کرده‌اند، در دامن زدن به این اختلافات بی‌تأثیر نبودند. پیشگام مرکز گنبد بلافاصله جوانان روستایی را از دخالت در امور شوراهای منع نمود و آنها را موظف کرد که تنها گزارشی از اوضاع روستاهای خویش و چگونگی



گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی نظامی،

بحران مسکن

بیداد می‌کند

یکسال است که تقریباً بی‌کارم. پنج تا بچه دارم که دوتای آنها پسر هستند و کارگرد. اگر این دو پسر کار نمی‌کردند، نمی‌توانستم گزایه خانه بدهم.

حرا این حسن است؟ خلی ساده چون رمن گران است، چون خانه و زمین در اختیار مالکین و سرمایه‌داران است. چون هنوز دست سرمایه‌داران از "ساز غریبی" کوتاه نشده. چون هنوز بورس بازی روی رمن و خانه یکی از بر سودترین شغل‌های انگلی اسس جامعه است. قیمت خانه روز به روز ترقی می‌کند، ممکن است این تصور بیش آنکه که کمبود مسکن باعث گرانی است که البته کمبود مسکن در گرانی آن تاثیر دارد ولی مشکلات فعلی در اثر کمبود مسکن نیست. مثلا در تهران اگر آمارت‌های خالی و رو به اتمام را به حساب بیاوریم تقریباً مشکل کمبود مسکن نداریم. بلکه مسئله احکام مسکن در دست بولداریها است. سرمایه‌داران جس و ابعود می‌کنند که مشکل مسکن به خاطر افزایش دستمزد کارگران ساختمانی است. ولی باید توجه داشت این هم یکی دیگر از دور و کلک‌های سرمایه‌داران است. مثلا آنها ما محتاج و کالاهای ضروری مردم را احکام می‌کنند تا قیمتشان را در بازار بالا

بخوابیم... آن موقع ها که در خانه یکی از این بولداریها کار می‌کردم، چند هزار تومان خرج کرد تا تمام خانه‌اش را با توری‌های مخصوص بیوشاند تا نکند یک پشه داخل اطاق‌هایشان بشود! مثل این است که ما داخل آدم نیستیم. ما زندگی نمی‌خواهیم! بچه‌های ما آسایش نمی‌خواهند! هرچه چیز خوب است مال عده‌ای مفت‌خور و سرمایه‌دار است. چرا دولت جلوی اینها را نمی‌گیرد و می‌گذارد هرکاری که دلشان خواست، بکنند؟

فروش نیروی کار ارزانشان آواره شهرها می‌شوند، نه تنها هیچ نامینی از نظر مسکن ندارند، بلکه ابتدائی ترین مایحتاج زندگی آنان نیز دارای معیارهای انسانی نیست و "گود" ها، "زورآباد" ها، "خلی‌آباد" ها، "حصیرآباد" ها و اصولاً حاشیه نشینی و بی‌عوله نشینی و زاغه نشینی از پدیده‌های اجتناب‌ناپذیر و ناگزیر این سیستم اقتصادی - اجتماعی است. مسکن در این سیستم به دور از دسترس زحمتکشان به روی هم انباشته شده و یا به دست ملاکین، بولداریها، بساز و بفروشها و دلالان و... وسیله‌ای برای کسب سود بیشتر و مکیدن شیره جان زحمتکشان می‌گردد. این گفته نیازی به اثبات ندارد. هرکجا که زحمتکشان زندگی می‌کنند، صحت آن را از ته دل تأیید می‌نمایند. گزارشگران ما در مناطق جنوبی تهران مانند سه راه علی‌آباد، راه آهن، دولت آباد و... و چندین نقطه دیگر که تمامی محل زندگی زحمتکشان است، گفتگوهایی داشته‌اند که صحت گفته‌های ما را به ثبوت می‌رساند:

"گرانی خانه کمرم را شکست. با این سن و سالی که دارم می‌باید از صبح تا شب جان بکنم تا صنار پول بگیرم بیاید آن وقت سر برج که می‌شود باید هزار تومان گزایه بابت یک اتاق ۳ در ۴ و یک صندوقخانه بدهم"

از کارش می‌پرسم. می‌گوید:

"در بازار بزرگ تهران باربری می‌کنم." و خمیدگی پشتش گواه کار طاقت‌فرسای اوست.

در دولت آباد یک زن زحمتکش با چهره‌ای آفتاب‌سوخته می‌گوید:

"زندگی به ما خیلی سخت می‌گذرد گاهی اوقات فکر می‌کنم که ما اهل این آب و خاک نیستیم. گرانی خانه و نبودن اتاق ما را مجبور کرد که به اینجا بیاییم و اتاقکی برای خودمان درست کنیم. شش فرزند دارم و شوهرم مدت‌ها است که فلج شده. خودم تا چند وقت پیش در خانه مردم کار می‌کردم اما الان مدت‌هاست که دست‌هایم از شدت درد قادر به کار کردن نیست. بعد از سالها کار کردن در خانه این و آن یک تکه قالیچه و چند النگو خریده بودم که همه را فروختم و خرج زندگی می‌کنم. اگر اینها را هم نداشتم نمی‌دانم که چه می‌کردم. باور کنید شبها از زور پشه و مگس و دهها جانور دیگر خوابمان نمی‌برد. همین پریشب بود که هزارپایی داخل گوش پسرم شد و از فریاد او همه از خواب بیدار شدیم و دیگر نتوانستیم

"گرانی بیداد می‌کند. ۵۶ سال از عمرم می‌گذرد اما هنوز نتوانسته‌ام خانه‌ای برای خانواده‌ام تهیه کنم. بعد از انقلاب فکر می‌کردم که قیمت خانه پائین می‌آید و یا حداقل گزایه خانه ارزانتر می‌شود و ما می‌توانیم بجای اینکه ۷ نفری در یک اتاق کوچک زندگی کنیم یک خانه چند اتاقه گزایه کنیم تا همگی بعد از سالها فشار و خستگی به راحتی زندگی کنیم اما وضع خانه نه تنها بهتر نشده بلکه بدتر هم شده. اجاره خانه روز به روز بالاتر می‌رود. نمی‌دانم خانه‌هایی را هم که می‌گویند صادره کرده‌ایم چه می‌کنند! چرا دولت این خانه‌ها را در اختیار مردم زحمتکش قرار نمی‌دهد؟ یک عمر طاقت‌های در این خانه‌ها استراحت کردند، بگذارند چند صبحی هم که از عمر ما باقی است ما در این خانه‌ها زندگی کنیم."

پیرمردی که گرد ۵۶ سال محرومیت و استثمار بر چهره‌اش نشسته، در سه راه علی‌آباد خزانه گویای میلیون‌ها هموطن زحمتکش و محرومان است. اکنون بخشهای کثیری از مردم ما در مکان‌هایی زندگی می‌کنند که از حد یک سرپناه یا بی‌عوله‌ای موقت تجاوز نمی‌کند فقدان بهداشت و ابتدائی ترین امکانات رفاهی، تراکم بیش از حد و طاقت‌فرسای جمعیت در محلات زحمتکشان محیط زندگی را عملاً تحمل‌ناپذیر کرده است بیش از دوسوم خانواده‌های شهری و روستایی ما در چنین شرایطی به سر می‌برند بی آنکه امید دست یافتن به مسکن را داشته باشند که حداقل نیازها و خواسته‌های طبیعی آنان را برآورد.

پس از قیام شکوهمند مردم ما معضلات و مشکلات بسیاری بر سر راه بود که حل آنها نیاز به قاطعیت و برنامه‌های انقلابی داشت. مشکل مسکن و به ویژه مسکن زحمتکشان یکی از این مشکلات است که متأسفانه تا کنون گامی جدی و عملی برای حل آن برداشته نشده و هنگامی که ما بتوانیم به نحوی بیادای از عهده حل این امر مهم برآئیم، بدون شک بر یکی از بزرگ‌ترین معضلات جامعه غلبه نموده‌ایم. ولی بایستی در نظر داشت که حل بیادای مسکن و دیگر مسائل حاد جامعه جدا از دگرگونی‌های عمیق اقتصادی - اجتماعی در کل سیستم سرمایه‌داری امکان پذیر نیست.

مسکن که یکی از مسائل رفع نیازهای ابتدائی انسان است، همچون خوراک و پوشاک می‌بایستی تامین گردد اما در سیستم سرمایه‌داری کالائی است که تنها و تنها برای خرید و فروش و برای کسب سود بیشتر و غارت زحمتکشان تولید می‌شود. از همین روست که می‌بینیم در جوامع سرمایه‌داری و بخصوص در کشورهای تحت سلطه که زحمتکشان برای



ببرند و بعد وانمود می‌کنند که به خاطر افزایش دستمزد کارگران در کارخانه‌ها کالاها گران تمام می‌شود و از این کار دو هدف دارند:

اول اینکه سود بیشتری عایدشان می‌شود. دوم اینکه زحمتکشان را در مقابل هم قرار دهند و آشفته کردن بازار به منظور بلند خود برسند. ما در ایران، آمریکا، سوئد، انگلستان... می‌کنیم که اصلاً چنین چیزی نیست. یعنی گرانی مسکن به دلیل دستمزد کارگران ساختمانی نیست و این دامی است که سرمایه‌داران برای رو در رو قرار دادن زحمتکشان بهین کرده‌اند. زیرا:

شخص مرد کارگر ساده ساختمانی از سال ۱۳۲۲ تا سال ۱۳۵۵، ۹/۱۸ برابر شده، شخص مرد بنا ۹/۲۴ برابر و قیمت مصالح ساختمانی ۷/۸۵ برابر شده اما در این مدت قیمت گزایه مسکن ۵۰/۴۰ برابر شده! زحمتکشان توجه کنید که در این مدت گزایه مسکن تقریباً ۵ برابر بیشتر از افزایش دستمزد زحمتکشان ساختمانی افزایش داشته. بنا بر این افزایش قیمت‌ها این گرانی، این بحران و فشار طاقت فرسا محصول افزایش ناچیز دستمزد کارگران ساختمانی نیست که بطور کل زائیده بقیه‌در صفحه ۱۱

گرانی سرسام آور مسکن

گرانی و دیگر مشکلات مسکن تنها مربوط به ساکنین دولت‌آباد و میدان شوش و افسریه و... نیست بلکه تمام گودنشینها، زاغه‌نشینها و حاشیه نشینها و محلات زحمتکشان از این درد در عذابند. این مشکل تقریباً در تمامی شهرهای ایران کم و بیش وجود دارد و صرفاً نوع مشکلات و بوسانات قیمت‌هاست که اندکی متفاوت است. و بالاخره می‌توان گفت که این مشکل، مشکل تمامی زحمتکشان دنیاست که زیر یوغ سرمایه استثمار می‌شوند. در مناطق میانی شهر یک‌کارمند با ماهی ۴۰۰۰ تومان حقوق، حداقل بایستی بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان بابت اجاره خانه پرداخت کند. در مناطق کارگر سنین و محلات زحمتکشان نیز تقریباً رابطه حقوق و اجاره خانه به همین نسبت است. یک کارگر با ماهی ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ تومان حقوق بایستی حداقل ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان از دستمزدش را بابت اجاره خانه بدهد و خلاصه آنکه عریسه مسکن گران است و زحمتکشان قدرت‌تامین آن را ندارند.

استقلال - کار - مسکن - آزادی



بقیه از صفحه ۱۰

بحران مسکن

نظام سرمایه‌داری و به ویژه سرمایه‌داری وابسته است که هنوز تمامی شریان‌های آن قطع نشده. این بحران دردناک و خائنانه‌تره نرسیده است که در آن زمین نه به صورت پدیده‌ای طبیعی و متعلق به همه انسان‌های زحمتکش بلکه به صورت کالائی جهت خرید و فروش و کسب سود و در انحصار عده‌ای خاص است. در شرایط بیمارگونه کشور ما در دهه سال‌های ۵۰، قیمت زمین آنچنان افزایشی داشت که در اواخر این دهه به ۱۰ برابر قیمت اولیه سال‌های ۵۰ رسید و بهره مالکانه و بورس بازی روی زمین و مسکن آنچنان فزونی گرفت که تعداد بیشماری از موسسات سرمایه‌داری خصوصی و ارگان‌های دولتی به طرف معاملات زمین روی آوردند. صدها شهرک مسکونی از قبیل شهرک غرب به وسیله نربار و بانک عمران، شهرک آپادانا به وسیله بانک رهنی، شهرک اکباتان به وسیله دربار و ایدای وابسته به آن، برج‌های مسکونی، مجتمع‌های مسکونی شهرک‌های ویلائی لب دریا و داخل جنگل، دامنه کوه و غیره و غیره بر همین مبنا ساخته شدند. زحمتکشان ما حتماً به یاد دارند که چگونه زمین خواران به ظاهر از طریق احداث خدمات شهری مثل خیابان، پارک، برق و آب با بالا بردن قیمت زمین‌های مجانی و غصبی به سود اندوژی و غارت مردم پرداختند. آمار شهرداری نشان می‌دهد که در اواخر دوره حاکمیت رژیم منحوس پهلوی حدوداً بیش از ۲۰ هزار قطعه زمین به مساحت ۳۰ تا ۲۴ میلیون متر مربع در داخل محدوده تهران توسط زمینخواران احداث شده بود.

باید توجه داشت که این ارقام متوسط تراکم است بطوری که بیشترین تراکم و ازدحام جمعیت و نتیجتاً فقدان آسایش و خدمات شهری در محلات زحمتکشان و کمترین تراکم و بیشترین خدمات شهری و آسایش در محلات شمال شهر و اعیان نشین بوده. با نگاهی به "طرح جامع تهران" که در رژیم گذشته به تصویب رسید این نابرابری کاملاً به چشم می‌خورد.

کیفیت بد مسکن یکی دیگر از عوامل بحران

مشکل مسکن تنها در کمبود و گرانی آن نیست بلکه وضع بد و نابسامان خانه‌های زحمتکشان، کیفیت نازل و فقدان تجهیزات اولیه از قبیل آب و برق و تلفن، اماکن بهداشتی، تفریحی، آموزشی، فضای سبز و غیره از دیگر مشکلاتی است که با آن روبرو هستیم. یکی از زنان زحمتکش جنوب شهر می‌گفت:

اعتقاد ما بر این است که هر حرکت ضدامپریالیستی توده‌ها خود گامی است در جهت تغییر و تحولات بنیادی نظام اجتماعی و به دیگر سخن حل مشکل مسکن یعنی تامین رفاه و حداقل خواست و نیازهای زحمتکشان که این امر لزوماً دستاورد مبارزات ضدامپریالیستی توده‌هاست.

چه عواملی بحران مسکن را تشدید می‌کند؟

علاوه بر مطالب بالا که در علل اساسی بحران مسکن بیان شد باید از مهاجرت روستائیان به شهرها که عمدتاً جذب صنایع وابسته می‌شدند، نام برد. یکی از خصوصیات صنعت به ویژه بخش انحصاری آن در جوامع وابسته نابودی کشاورزی، آواره کردن کشاورزان زحمتکش به عنوان نیروی کار ارزان برای صنایع وابسته ایجاد جامعه مصرفی برای کالاهای بنجل غربی است بدون اینکه ابتدائی‌ترین نیازهای زندگی این زحمتکشان تامین گردد و همانگونه که قبلاً بیان شد حاشیه نشینی زاغه نشینی و گود نشینی و ... از فرآورده‌های این سیستم اقتصادی - اجتماعی زحمتکشان است. مطابق آمارهای منتشره، تراکم جمعیت تهران در سال ۱۳۳۵، ۴۴/۷ نفر در هر کیلومتر مربع بود و در سال ۱۳۴۵، ۷۳/۲ و در سال ۱۳۵۵ این رقم به ۱۰۴/۴ نفر در هر کیلومتر مربع رسید.

مبارزات ضدامپریالیستی خواهد بود. از این رو برای حل عاجل نه ریشه‌ای این بحران در راستای تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی پیشنهادات و برنامه خود را ارائه می‌نمائیم:

در این برنامه که تاکید ما بر استفاده از دستاوردها و تجربیات گرانمایه‌های خلقهای پیروزمند و کشورهای سوسیالیستی است، تعدیل و رفع بحران مسکن و بخصوص مسکن زحمتکشان مورد نظر است که برای اجرای آن:

الف - در ابتدا بایستی از اقدامات سوداگرانه زمین‌خواران و محترکان مسکن جلوگیری شود. برای این کار باید کلیه امور مربوط به مسکن از ایجاد تا عرضه آن و کلیه معاملات مربوطه در اختیار بخش عمومی قرار گیرد و همه زمینهای شهری ملی شده و تحت تملک بخش عمومی درآید. لازم به یادآوری است که سیاست و برنامه بایستی به‌گونه‌ای باشد که از وارد آمدن ضرر و زیان به مالکان کوچک جلوگیری به عمل آید. تجربه نشان داده است که اعلام قوانین نیم‌بند و جنجال‌برانگیز مثل ممنوعیت فروش زمین بدون داشتن برنامه و چشم‌اندازی از آینده سیاست اقتصادی نتوانسته است با سوداگران و محترکان زمین و ساختمان مقابله جدی کند و در مواردی به صعود قیمت‌ها نیز کمک رسانده است.

ب - رفع نیاز مسکن تنها به فراهم کردن چهار دیواری‌های کوچک و بزرگ محدود نمی‌شود. مسکن را باید در کلیت محل سکونت مورد ارزیابی قرار داد. باید دید که چه نیازهایی در محدوده خانه است و چه نیازهایی باید در سطح محله، ناحیه، بخش و کل شهر و به شکل عمومی تامین گردد. در کوتاه مدت، این توقع و مطالبه که همه چیز در واحد مسکونی تمرکز یابد و همه نیازها در آن مرتفع گردد، از لحاظ اقتصادی مقذور نیست. باید برآورد نیازها را حداکثر از طریق غنی‌ساختن مراکز عمومی آغاز کرد در تمام محلات و متناسب با جمعیت و احتیاجات ساکنین آن، باید درمانگاه، مدرسه، بیمارستان، کتابخانه، رختشویخانه عمومی، فضای سبز، محل بازی کودکان، مهد کودک و ... احداث کرد تا بدین وسیله ضمن رفع برخی نیازها از تراکم جمعیت در منازل کاسته شود.

ج - خانه‌های احداث شده و خالی که بیشتر آنها برای کسب سود بیشتر بنا شده، باید مصادره و بین مردم محروم و زحمتکش بطریقی عادلانه توزیع شود. تاکنون دولت به بهانه‌های مختلف از این عمل سر باز زده و در مواردی زحمتکشان خود ابتکار این عمل انقلابی را به عهده گرفته‌اند.

دست‌گیری از مهاجرت بی‌رویه روستائیان بیکار به شهرها از طریق اتخاذ سیاست‌های صحیح کشاورزی و به ویژه فعال کردن کانون‌های تولیدی کشاورزی در روستاها، مکانیزه کردن کشاورزی، ارتقاء تکنولوژی کشاورزی، تامین آب و احیاء سیستم آبیاری، دادن وام به روستائیان، تعهد خرید محصولات کشاورزان به وسیله دولت، تامین خواسته‌های رفاهی دهقانان و غیره که این امر محتاج برنامه‌های اصولی در زمینه کشاورزی است.

می‌شود و نه محلی برای بازی کودکان و نه بیمارستانی، درحالیکه در محلات بالای شهر و پولدارها همه چیز وجود دارد و خانه‌ها آنقدر جا و وسائل تفریح و تجهیزات کافی دارد که هیچ کمبودی حس نمی‌شود ولی در نواحی جنوب شهر در یک اطاق کوچک یک خانواده با وسائل زندگی‌شان مجبورند روز را به شب بربانند. بطور نمونه در میدان غار تهران خانه‌ای وجود دارد که با ۲۷ متر مربع مساحت، ۴۳ نفر در آن زندگی می‌کنند. (۶ اطاق قوطی‌کبریتی که با نردبان به اطاقها وارد می‌شوند.) در قلعه دولت آباد با حدود ۳۰۰ خانوار تنها یک حمام عمومی قدیمی و روستائی وجود دارد و فضولات کارگاه‌های سنگ - بری به فئات محله می‌ریزد و اهالی مجبورند برای رختشویی و نظافت از آب آلوده استفاده کنند.

طی ۱۷ ماه اخیر به علت مهاجرت‌های فراوان روستائیان بیکار به شهرها، افزایش جمعیت باعث گسستگی هرچه بیشتر آموز و پیچیدگی مشکلات شده است و مسئولان تا کنون هیچ گره‌ای را باز نکرده‌اند. طرح قوانین مربوط به مالکیت اراضی مشروط به تنها نتوانسته است مشکلی را در راه رفاه زحمتکشان بگشاید بلکه راههای فرار را برای زمین‌داران باز گذاشته است. بنیاد مسکن، بنیاد مستضعفین و همه موسسات مربوط به مسکن، بدون داشتن طرح و برنامه‌ای مشخص تنها به جنجالهای زودگذر و موقتی پرداختند و نتوانستند ابتکار عمل حل این بحران چاره را در دست گیرند. آیت‌الله خسرو شاهی نزدیک به یکسال پیش اعلام کرده بود که در تهران حدود ۲۰۰ هزار خانه خالی شناسائی شده و پس از مصادره یا خرید در اختیار متقاضیان واقعی قرار می‌گیرد ولی همه اقدامات در حد حرف باقی ماند و هیچ اقدام عملی بجز باز شدن دست بساز و بفروشها و سرمایه - گذاران ساختمان و محترکان مصالح ساختمانی که سبب بالا رفتن بی‌سابقه قیمت مصالح ساختمانی شده‌است، انجام نگرفت. با جنجال و هیاهو، وعده و وعید و حتی حسن نیتی که اساس و برنامه مشخص انقلابی نداشته باشد راه به جایی نمی‌رود و تنها بحران تشدید شده و این بازار آشفته سبب رشد مشاغل انگلی و بهره‌برداری سرمایه - داران می‌گردد.

مشکل مسکن و ریشه‌کن ساختن این بحران جدا از تحولات اقتصادی - اجتماعی جامعه ممکن نیست و اعتقاد ما بر این است که هر حرکت ضد امپریالیستی توده‌ها خود گامی است در جهت تغییر و تحولات بنیادی نظام اجتماعی و به دیگر سخن حل مشکل مسکن یعنی تامین رفاه و حداقل خواست و نیازهای زحمتکشان که این امر لزوماً دستاورد مبارزات ضدامپریالیستی توده‌هاست. تامین نیازهای اولیه زندگی و تامین رفاه زحمتکشان در جامعه پایهای محکم در جهت تعمیق

چه باید کرد؟

حل مشکل مسکن و ریشه‌کن ساختن این بحران جدا از تحولات اقتصادی - اجتماعی جامعه ممکن نیست و اعتقاد ما بر این است که هر حرکت ضد امپریالیستی توده‌ها خود گامی است در جهت تغییر و تحولات بنیادی نظام اجتماعی و به دیگر سخن حل مشکل مسکن یعنی تامین رفاه و حداقل خواست و نیازهای زحمتکشان که این امر لزوماً دستاورد مبارزات ضدامپریالیستی توده‌هاست. تامین نیازهای اولیه زندگی و تامین رفاه زحمتکشان در جامعه پایهای محکم در جهت تعمیق

"من در خانه‌ای زندگی می‌کنم که سه اطاق کوچک دارد. هرکدام از اینها متعلق به یک خانواده است. ۲۰ ماه است که به این خانه آمده‌ایم چون این خانه‌ها را بنیاد مستضعفین در اختیار ما گذاشته است. باید ماهی ۳۰۰ تومان به بنیاد بدهیم. البته همینطوری که می‌بینید این خانه فقط یک چهار دیواری است و نه از آب خبری هست و نه از برق و روزی چند دفعه باید برویم از لب فشاری آب برداریم."

زن دیگری می‌گفت:

"اطاق ما خیلی کوچک است. من و شوهر و ۵ فرزندم در آن زندگی می‌کنیم. شوهرم کارگر بیکار است. دولت هر خانه را به چند خانواده داده است. با این بچه‌های شیطان مگر می‌شود توی هر خانه چند خانواده زندگی کنند؟ آب و برق هم مثل این است که بر ما حرام است."

می‌بینیم که بحران مسکن ابعاد مختلفی دارد به هرکجا که دست می‌گذاریم، سر دردها باز می‌شود. چون محیط مسکونی غیرقابل تحمل شده. همه چیز برای زحمتکشان در همان چهار دیواری اطاق محدود می‌شود. در خارج از خانه نه مدرسه درست و حسابی پیدا

شورای کارخانه کانادادرای:

کارگران از نان خود می برند تا کارخانه تعطیل نشود

در این روزها شرکت کانادا احتیاج مبرمی به مواد اولیه نوشابه پیدا کرده است کارفرمای کارخانه (سهاکیان) بخاطر سود بیشتر، مواد اولیه مورد نیاز کارخانه را در یک شرکت تجارتي بنام "کوفاسه" که متعلق به خودش است تهیه می کند. این شرکت در حال حاضر به وسیله روسای اخراجی شرکت ساسان و دیگر شرکت های نوشابه سازی متعلق به سهاکیان اداره می شود. به این ترتیب شرکت کوفاسه واسطه ای است بین کارخانه و شرکت های فروشنده مواد اولیه خارجی. کارفرما مواد اولیه مورد نیاز را که از طریق این شرکت در اختیار دارد، به شرکت های تابعه می فروشد. مدت زمانی است که حدود ۱۰ میلیون تومان مواد در گمرک خوابیده و این شرکت نمی خواهد برای تامین مواد اولیه کارخانه کانادادرای تهران آن را ترخیص کند بلکه می خواهد این مواد را به دست خود بدهد. چون شرکت کانادادرای تهران شرکت سهامی عام بوده و کارگران در آن سهام دارند لیکن کارخانه های شهرستان ها سهامی خاص هستند که تماما متعلق به خود سهاکیان است در همین رابطه نیز سهاکیان و عواملش سعی دارند با تامین نکردن مواد اولیه کارخانه تهران را بخوابانند و این مواد را بخاطر سود بیشتر به شهرستان ها بدهند برای مقابله با این سیاست ضدکارگری کارفرما، شورای کارگری شرکت که بیشتر سرمایه های سهاکیان را بنفع کارگران ضبط کرده است، تصمیم به ترخیص این کالا می گیرد لیکن (رخشانی) مدیر عامل کارخانه که از همدستان کارفرماست، مخالفت کرده و اعتیاری برای ترخیص کالا به شورا نمیدهد در اینجا شورا دست به عملی انقلابی زده و طبق اعلامیه ای در روز اول تیرماه از کلیه کارگران می خواهد

هرکدام مبلغ ۳۰۰۰ ریال به شورا بدهند و بعدا پس بگیرند تا شورا بتواند این کالا را هرچه زودتر ترخیص کرده و برای تداوم تولید به کارخانه بیاورد. کارگران از این اقدام شورا استقبال کرده و حتی مبلغی بیشتر از سهمیه تعیین شده به شورا دادند. کارگری می گفت:

" من حاضرم هر قدر که در توان دارم به شورا کمک کنم حتی اگر شده از نان زن و بچهام برای مبارزه با سرمایه داران و برای آنکه کارخانه نخوابد، به شورا بدهم. "

اکنون شورا با کمک و حمایت فعال کارگران در جهت ترخیص مواد اولیه کارخانه در تلاش است. سرمایه داران وابسته ای نظیر سهاکیان که تجلی حضور امپریالیسم امریکا در کارخانه های ما هستند، هر روز دست به توطئه های تازه می زنند تا انقلاب مردم ما را به شکست بکشانند. دولت خلع بد از این ضد انقلابیون و مبارزه قاطعانه با آنان همانطور که می بینیم اقدامی جدی علیه آنها نکرده و دست آنها را برای انجام توطئه هایی از قبیل خواباندن کارخانه و بیکار نمودن بیش از ۲۵۰۰ کارگر بازگذاشته است.

کارگران با حمایت یکپاچه از شورای کارخانه در این حرکت خود نشان دادند که این تنها شکل آگاهانه آنهاست که ضامن پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی است. کارگران در زندگی و مبارزات روزمره خود یاد می گیرند که نابودی امپریالیسم در گرو نابودی پایگاه داخلی آن یعنی همین سرمایه داران و عوامل وابسته به امپریالیسم می باشد. کارگران مبارز کانادا اکنون باید بیش از پیش شورا را در مقابل توطئه های آتی ضد انقلاب (سهاکیان و رخشانی ها و...) تحکیم کرده و حول شعار "مصادره و ملی کردن کارخانه" با

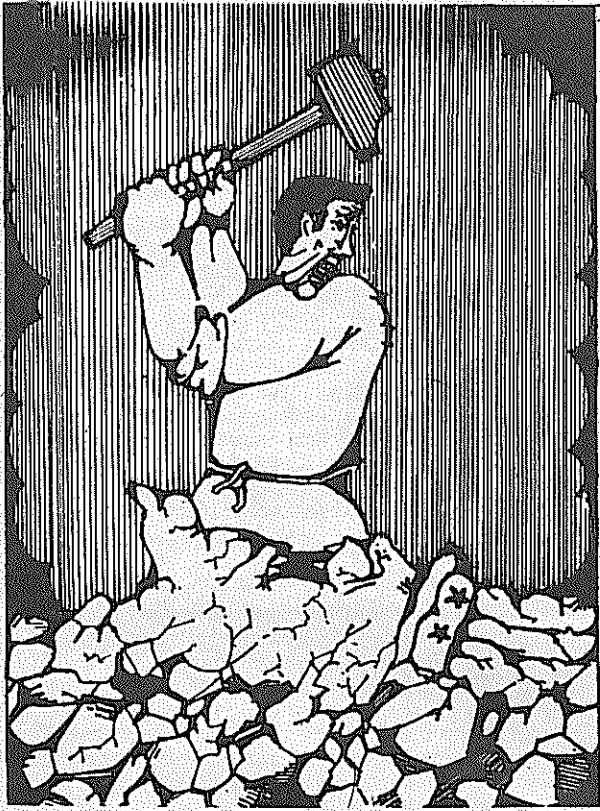
یکپارچگی و هشیاری بیشتر مبارزه ضد امپریالیستی را به پیش برند. شورای کارخانه کانادا در چنین شرایطی با هشیاری و قاطعیت انقلابی و به اتکای حمایت یکپارچه همه کارگران باید با پیگیری و تحقق شعار ملی کردن، به کارفرما و عوامل آن اجازه ندهد که تحت پوشش شرکت تجارتي "کوفاسه" و هم چنین تحت عنوان مدیرعامل کارخانه و نظایر آن توطئه های ضد کارگری و ضد شورائی اش را به اجرا در آورد. کارگران مبارز کانادا در این مبارزه ضد امپریالیستی ماهیت واقعی امپریالیسم و پایگاه های داخلی آن را افشاء نموده و به اتکای اتحاد و تشکل آگاهانه شان گامی دیگر در جهت گسترش این مبارزه بر میدارند.

بقیه از صفحه ۱۶
حسین قاسمی مطلق
۴۳ سال در کنار
کوره ها...

این بود که کارگران بیش از آنکه بخاطر مرگ گریه کنند، به خاطر زندگی مرگبار گریه می کردند. او از مصائب زندگی طاقت فرسای کارگران می گفت زندگی ای که در کار اسارتیاب خلاصه می شود، کاری که در اسارت سرمایه است. در جامعه سرمایه داری، کارگران مجبورند در سخت ترین شرایط کارکنند و جانشان را در جریان کار و یا به خاطر دستگاه های پیرس، در تونل های معادن و یا در راه کارخانه و خانه... تنها با نابودی نظام سرمایه داری و آزاد شدن زندگی و کار انسان از سلطه روابط سرمایه داری است که کارگران و زحمتکشان روی آسایش نخواهند دید و این امر تنها به همت خود کارگران، زحمتکشان و به اتکای تشکل آگاهانه طبقه کارگر تحقق خواهد یافت.

نامه یک کارگر سنگ کوب به نشریه "کار"

اگر ما کارگران اتحاد داشته باشیم...



روزنامه محترم کار، من یک کارگر هستم و سالهاست که در کارخانه های سنگ کوبی تهران کار می کنم. بچه های من روزنامه کار و نبرد دانش دانش آموز می خوانند. من چند روز پیش برای خریدن لباس به میدان گمرک رفتم. در آنجا لباس های کهنه و دست دوم را با قیمت کم می فروشتند. من داشتم به لباسها نگاه می کردم که ناگهان چشم بیکی از دوستانم افتاد. من و او با هم در یک کارخانه سنگ کوبی کار می کردیم. ما در آن کارخانه با پتک سنگهای بزرگ را می شکستیم و در آسیاب می ریختیم تا به پودر سنگ و خاک تبدیل شود یک روز ناگهان یک تکه سنگ تیز به چشم دوستم خورد و چشمش مثل یک تکه گوشت از صورتش آویزان شد. دوست من روی زمین افتاده بود و فریاد می کشید و خودش را میان خاکها به این طرف و آن طرف می زد. ما همه دست از کار کشیدیم و می خواستیم او را به بیمارستان برسانیم صاحب کارخانه خبردار شد و با داد و هوار کارگران را به سر گارشان فرستاد و دوست ما را که از چشمش خون میامد توی یک وانت خاکی انداخت و به بیمارستان برد. ما از آن وقت به بعد دیگر او را ندیدیم و نمی دانستیم که چه بلایی به سرش آمده. هر وقت هم از صاحب کارخانه سراغ او را می گرفتیم، می گفت که حالش خوب شده و توی یک کارخانه دیگر کار می کند و من مدتها بعد او را آن روز در میدان گمرک دیدم که لباس های پاره پوره ای به تن داشت و گدائی می کرد. با دیدن آن، صحنه گریه ام گرفت. اول خواستم جلو بروم و تمام پولهایم را به او بدهم اما بعد فکر کردم که این کار من چندان دردی از او دوا نمی کند و راه حل مشکل نیست. یاد حرفهائی که توی روزنامه کار و نبرد دانش آموز در باره اتحاد ما کارگران نوشته بود، افتادم. راستی اگر ما کارگران اتحاد داشتیم، صاحب کارخانه می توانست به این آسانی دوست کارگران را با آن وضع اخراج کند تا دیگر هیچ کجا به او کار ندهند و او با چند سر عائله مجبور به گدائی شود؟ این بود که آن پول را همراه مقداری از پسراندازم برای شما می فرستم میدانم که این پول را که حاصل دسترنج خودم در زیر آفتاب داغ کارخانه هاست، در راه آگاه کردن طبقه کارگر ایران بکار خواهید برد. به امید پیروزی طبقه کارگر دوست شما: بخداکرم

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

جنايات

دادگاه‌های...

عملا به امپریالیسم و متحدان داخلی آن خدمت می‌کنند. حقانیت مبارزات مردم ویتنام از اعتبار و حیثیت کارگزاران سیاست امپریالیسم جهانی در انظار مردم کشورهای امپریالیستی بشدت کاست و امپریالیستها برای دخالت‌های نظامی در سایر نقاط جهان با اعتراضات و خشم مردم کشورهای خود روبرو شدند و این یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب ویتنام برای خلق‌های زیر سلطه جهان است. که وقتی مردم کوبا به کمک مردم آنگولا می‌شنابند، امپریالیسم امریکا نمی‌تواند به آسانی و بطور مستقیم بدون مقاومت مردم امریکا و اروپا و سایر کشورهای جهان نیروهای نظامی خود را در آنگولا پیاده کند.

اما این روزها دادگاه‌های انقلاب اهواز، کرمان و امثال آن می‌خواهند هرطوری شده وسیله‌ای بدست دولتهای امپریالیستی بدهند تا آنان بتوانند بدین وسیله حقانیت انقلاب مردم ایران را در انظار مردم کشورهای امپریالیستی و کشورهای زیر سلطه مخدوش سازند و از مردم این کشورها حمایت و اجازه دخالت نظامی در هر نقطه‌ای که بخواهد این‌گونه انقلابها اتفاق بیفتد، دریافت کنند. آری واقعا این اعمال وحشیانه از ابعاد مرزهای ایران می‌گذرد و بزرگ‌ترین خدمت را به سیاست‌های امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا می‌کند و این اعمال در ایران نیز بیش از همه به سود متحدان داخلی امپریالیسم امریکا تمام می‌شود.

آیا با همه این توضیحات نباید به دادگاه‌های انقلاب اهواز و کرمان مشکوک بود؟ آیا این اتفاقی است که احکام دادگاه‌های اهواز و کرمان و امثال آن وسیله‌ای برای تبلیغ سیاست امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن تمام می‌شود؟ آیا هم اکنون عناصر وابسته به امپریالیسم مثلا ساواکی‌های ناشناخته در این دادگاه‌ها حضور ندارند؟ به اعتقاد ما اگر به وضع این دادگاه‌ها رسیدگی شود، حقایق جدیدی از ماهیت اعضا و کارکنان این دادگاه‌ها برای مردم ایران روشن خواهد شد.

قسمتی از اعلامیه هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران منطقه کرمانشاهان

با تمام توان خود ضد انقلاب را در منطقه سرکوب نمائیم

مردم مبارز کرمانشاه!

روستائیان زحمتکش مناطق سنجایی، گوران، دشت‌کند و بیونج!

به دنبال ربوده شدن گله‌های روستای حریر کردند توسط عوامل مزدور بختیار- پالیزبان در تاریخ ۹ تیر ۵۹- در درگیری‌هایی که بین این مزدوران با پاسداران در کوه‌های اطراف کردند روی داد، دهها تن از پاسداران و اعضای جهادسازندگی و چندین نفر از زحمتکشان روستای حریر به دست جنایتکاران مزدور به خون غلطیدند.

دار و دسته وابسته به امریکای پالیزبان - بختیار تا کنون صدها نفر را مجروح و مقتول و دهها نفر را به گروگان گرفته‌اند. شهرها و روستاها را به رگبار گلوله و خمپاره بسته‌اند. دهها هزار راس از احشام روستائیان زحمتکش منطقه را به غارت برده، اموال و تراکتور آنها را ربوده‌اند. مسافری را در جاده‌ها چپاول نموده و مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند.

این مزدوران جنایتکار که خود جان و مال زحمتکشان را شدیداً مورد تهدید قرار داده‌اند و امنیت و آسایش را از مردم سلب کرده‌اند. در بلندگوهای خویش وجود ناامنی و هرج و مرج را به رخ مردم می‌کشند و "امنیت و آسایش آریامهری را تبلیغ می‌نمایند.

این نوکران امریکا که در زمان شاه جلاد کینه و دشمنی خویش را با خلق‌های ما نشان داده‌اند و اکنون نیز جان و مال مردم را بازبچه اهداف خود ساخته‌اند، بیشرمانه خود را آزادیخواه و طرفدار خلق کرد و وابسته به نیروهای مترقی نشان می‌دهند تا شاید به حیثیت و اعتبار دروغین و از دست رفته خویش رنگ و روی تازه‌ای بزنند و برای خویش در بین مردم نفوذ و اعتبار دوباره‌ای کسب کنند.

آنها می‌خواهند با تهدید و ارباب و قتل و غارت زحمتکشان روستاها را به همراهی و همکاری با خویش وادار نمایند تا بلکه بتوانند منافع از دست رفته خود و اربابانشان را مجدداً به دست آورند. بیش از یکسال از تاخت و تاز این مزدوران ضد خلقی می‌گذرد اما ارتش و ژاندارمری تاکنون هیچ‌گونه اقدام موثری علیه آنها به عمل نیاورده‌است. مردم می‌خواهند بدانند چرا فرماندهان ارتش و ژاندارمری با تمام توان خویش علیه خلق ستمدیده کرد به جنگ افروزی می‌پردازند اما حاضر نمی‌شوند علیه دار و دسته مزدور پالیزبان حتی از سپاه پاسداران حمایت نمایند؟ (مصاحبه رادیویی یکی از پاسداران منطقه غرب در ۱۱ تیر ۵۹) چرا هربار که بین پاسداران و مهاجمین درگیری پیش می‌آید، ارتش و ژاندارمری به بهانه گرفتن دستور از مراکز عملاً بی‌طرفی اختیار می‌نمایند؟ چرا مقامات

مسئول منطقه تاکنون علیرغم هشدارهای مکرر نیروهای مترقی نسبت به خطرات این باند ضدانقلابی سکوت اختیار نموده‌اند و حاضر نمی‌شوند حتی از آنها نامی به میان آورند؟ چرا استاندار و دیگر مقامات مسئول مهره‌های مهم پالیزبان همچون سید قاسم افضلی را در پناه خویش گرفته‌اند و برایش امان‌نامه نوشته‌اند؟ ارتش، ژاندارمری و مقامات مسئول استان باید برای مردم ستمدیده منطقه ما توضیح دهند که سیاست سکوت و معاشات آنها با این مزدوران و نوکران امریکا بخاطر چیست؟

روستائیان زحمتکش گوران، سنجایی، بیونج

دشت‌کند، ریحاب و قلخانی!

با اتحاد و یگانگی از نیروهایی که خواهان سرکوب این باند جنایتکار و ضد مردمی می‌باشند حمایت فعال به عمل آورید. به پاسدارانی که جهت سرکوب این مزدوران به آن مناطق می‌آیند یاری رسانید. تنها در صورت حمایت فعال شماست که می‌توان این باند امریکائی را متلاشی نمود.

اکنون لازم است با تشکیل شوراهای ده امر نگهبانی و دفاع دسته‌جمعی از روستاهای خود را به عهده گیرید، از پیوستن افراد ناآگاه و فریب‌خورده به آنان جلوگیری نمائید. اکنون دولت باید زحمتکشان روستاها را مسلح نماید تا از جان و مال خود در مقابل این مزدوران دفاع کنند.

ما از هواداران و نیروهای انقلابی و رزمنده اسلام‌آباد کرد، قصرشیرین و سرپل‌دهاب می‌خواهیم در سرکوبی این نیروها فعالانه شرکت نموده و ماهیت آنها را برای توده‌های زحمتکش هرچه وسیع‌تر افشا کنند.

نابود باد توطئه‌های باند بختیار- پالیزبان
این مزدوران امپریالیسم امریکا
پیروزیاد مبارزات کارگران و دهقانان سراسر ایران
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
منطقه کرمانشاه - ۱۱ تیر ۵۹

پیام سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران به رفقای هواداران سازمان در غرب ایران

خلق قهرمان ما در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، سرمایه‌داران بزرگ شکست خورده، زمین‌داران بزرگ، فئودال‌ها، سرمایه‌داران لیبرال درون و بیرون حکومت جمهوری اسلامی، لحظات حساس، دشوار و پیچیده‌ای را می‌گذرانند.

هم اکنون امپریالیسم و ایادی داخلی آن در غرب ایران هزاران مزدور را علیه منافع زحمتکشان ایران بسیج کرده‌اند و در مناطقی از کردستان بخصوص منطقه کرمانشاهان بیش از پیش به عریان‌ترین شکل به مبارزه و جنگ علیه منافع و مصالح خلق کرد و علیه همه مردم زحمتکش ما برخاسته‌اند و هرروز دهها تن از نیروهای ضد امپریالیست را به خاک و خون می‌کشند.

ما وظیفه همه اعضا و هواداران سازمان و همه کمونیست‌های صدیق و دیگر نیروهای انقلابی می‌دانیم که پیشاپیش توده‌های زحمتکش علیه نیروهای ضدانقلابی پیگیرانه به مبارزه برخیزند.

رفقا!

هر زمان که پاسداران علیه نیروهای ضدانقلابی در جنگند، دوشادوش آنان با قاطعیت و فداکاری نمونه‌وار با نیروهای ضدانقلاب، با ایادی پالیزبان - اویسی، سالارچاق و ایادی عراق مبارزه کنید، دهقانان را متشکل کنید، از حقوق زحمتکشان دفاع کنید و در راه تحکیم اتحاد عمل همه نیروهای ضد امپریالیست، فداکار و شکیبا باشید!

پیروزیاد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های قهرمان ایران

قسمتی از اعلامیه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران منطقه کرمانشاهان

توطئه‌های دار و دسته وابسته و ضد خلقی پالیزبان - بختیار را خنثی کنیم

مردم مبارز منطقه کرمانشاهان و ایلام!

بدنبال سرنگونی رژیم پوسیده سلطنتی بر اثر قیام کارگران و زحمتکشان میهن و پس از ضرباتی که به منافع غارتگرانه دولتهای آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیست وارد شده است، اکنون توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و پس‌مانده‌های رژیم سلطنتی علیه خلقهای ما هر روز گسترش بیشتری می‌یابد. امپریالیسم آمریکا به کمک کشورهای امپریالیست اروپا و ژاپن و نیز متحدان خود در منطقه (همچون دولتهای عراق، پاکستان و عمان) میهن ما را از هر سو تحت فشار قرار داده‌اند. در این میان رژیم فاشیستی عراق بیش از هر کشور دیگر منطقه در جهت همراهی با آمریکا و علیه مردم ما به توطئه چینی و تجاوز دست زده است. رادیو و تلویزیون بغداد، رادیوهای "صدای ایران" و "صدای آزاد ایران" (این دو رادیو صدای بختیار و ژنرالهای فراری است و توسط ساواکیان فراری توجیح فرازمنند و قاسمی اداره می‌شوند.) شب و روز از کشور عراق علیه مردم ما دست به سمپاشی و عوامفریبی زده و بیکاری، گرانی، عدم امنیت و ویرانی کشور را به رخ مردم ایران کشیده و در غم از دست رفتن روزهای "امن و آمان" گذشته آه حسرت می‌کشند. آنها می‌خواهند این تصور را در مردم القاء نمایند که گویا رژیم گذشته بهرحال بهتر از رژیم کنونی بوده‌است و اگر مردم خواهان آینده بهتری باشند باید چشم انتظار بازگشت بختیار و پالیزبان باشند!

همه میدانیم که رژیم وابسته جلاد دهها سال تمام با همدستی همین پالیزبانها و بختیارها حاصل زحمت کارگران و زحمتکشان میهن و منابع کشورمان را به جیب سرمایه‌داران وابسته داخلی و گاو صندوق سرمایه‌داران امریکائی و دیگر کشورهای امپریالیست سرازیر ساخت. اقتصاد ایران را به کشورهای امپریالیستی وابسته نمود و کشاورزی و صنعت را به ورشکستگی کشانید آنچنانکه امروز برای رفع نیازهای ابتدائی کشاورزی و صنعتی خود محتاج کشورهای دیگر هستیم. نیروهای مسلح ضد خلقی و ساواک جهنمی به فرماندهی همین پالیزبانها و اوپسی‌ها صدای حق طلبی و آزادیخواهی زحمتکشان و نیروهای انقلابی را با زندان و شکنجه و تیرباران پاسخ گفتند و صدها هزار نفر را به خاک و خون کشیدند. "امنیت" زمان شاه، امنیت سرمایه‌داران غارتگر و زمین‌داران بزرگ بود. امنیت چپاولگران بین‌المللی بود. امنیتی بود که به زور سرنیزه ارتش، ژاندارمری، شهربانی و ساواک و به وسیله زندان و شکنجه و تیرباران برقرار شده بود. در رژیم شاه، کارگران و زحمتکشان هیچ امنیتی نداشتند و حقوقشان به وسیله سرمایه‌داران و زمین‌داران و حامیان آنها در دولت و ادارات پایمال می‌شد. "حق" مال کسی بود که پول و پارتی داشت. ساواک حتی اجازه نمی‌داد مردم بطور دسته‌جمعی شکایت بنویسند و حق خویش را مطالبه نمایند. "امنیتی" که اکنون بختیارها و پالیزبانها از آن دم می‌زنند و "وطنی" که این وطن‌فروشان به خاطر آن دلسوزی می‌نمایند، این چنین بود!

مسلمان کارگران و زحمتکشان مبارزی که رژیم پوسیده سلطنتی را به گور سپرده‌اند، اگرچه هنوز به خواسته‌های حقوق اصلی خویش نرسیده‌اند ولی با این وجود اجازه نخواهند داد آرزوهای پلید بختیارها و پالیزبانها تحقق یابد. مردم همچنان برای دست یافتن به خواسته‌های اصلی خود یعنی استقلال، کار، مسکن، آزادی مبارزات خود را ادامه خواهند داد و بختیارها و پالیزبانها باید آرزوی حکومت دوباره خود را به گور برند آنچه که زمینه را برای تبلیغات این پس‌مانده‌های رژیم سلطنتی و عوامل مزدور آمریکا فراهم می‌کند، بی‌توجهی دولت و بخصوص مقامات مسئول منطقه نسبت به خواسته‌های زحمتکشان و

سیاست اختناق و سرکوب مردم است که منجر به یاس و بی‌تفاوتی مردم منطقه شده‌است.

مزدوران پالیزبان، اوپسی تاکنون هزاران راس از احشام و اموال روستائیان را به غارت برده و چندین نفر را مقتول و مجروح ساخته‌اند. آنها هم چنین حملات زیادی به شهرها نموده و دست به ایجاد انفجار و خرابکاری زده‌اند. اکنون همزمان با افزایش فشارهای امپریالیستها علیه میهن ما تجاوزات و حملات مزدوران باند بختیار - پالیزبان نیز به شهرها و روستاهای منطقه افزایش یافته است. آنها در تاریخ ۱۴ خرداد ۵۹ با خمپاره و آر. پی. جی. ۷۰ به کرمانشاه حمله و چند نفر را زخمی نمودند، در تاریخ ۱۸ خرداد روستای بان مزاران ریجاب را به خمپاره بسته و یک زن را زخمی نمودند، در تاریخ ۱۸ خرداد تعداد ۱۰۰۰ راس گوسفند روستای سرتنگ و در تاریخ ۲۰ خرداد تعداد ۲۲۰ راس گاو روستای چشمه سفید را به غارت بردند و... این مزدوران اکنون در کوه‌های مناطق قلخانی و گوران تمرکز یافته و در دسته‌های بزرگ در روستاهای این مناطق آزادانه حرکت می‌نمایند و به تهدیدات و ارباب روستائیان و تبلیغات عوامفریبانه می‌پردازند تا روستائیان زحمتکش را مجبور به همکاری با خویش سازند. اکنون این دار و دسته ضد خلقی و وابسته به یک خطر جدی برای میهن ما تبدیل شده‌اند اما ارتش و ژاندارمری در منطقه کوچک‌ترین اقدامی علیه آنها به عمل نیاورده‌اند. تنها سپاه پاسداران (بخصوص پاسداران گزند) چند درگیری با آنها داشته است که آنها هم از حمایت ارتش و ژاندارمری برخوردار نبوده است.

ما بارها نسبت به خطرات این باند مزدور و وابسته هشدار داده بودیم و از بعضی عوامل آن امثال سیدقاسم افضلی و مهره‌هایی مانند حسن رنجبر افشارگری نمودیم ولی مقامات مسئول منطقه نه تنها کوچک‌ترین توجهی ننمودند بلکه وابستگان پالیزبان (افضل، رنجبر و...) را به همکاری فرا خواندند. افضلی معاون پالیزبان جلاد همکار ساواک و سردسته و گرداننده چماق‌داران بود و بعد از قیام نیز ارتباط خود را با پالیزبان حفظ نموده و در ترغیب و تشویق مردم برای پیوستن به پالیزبان نقش فعالی داشت. چرا مقامات مسئول منطقه او را به همکاری با خویش فرا خواندند؟! چگونه توانست فرار نماید درحالیکه همان روزی که قرار بود بازداشت شود در استانداری بوده است؟! چرا بعد از فرار باز سر و کله او در لشکر کرمانشاه پیدا شده است؟

مردم مبارز منطقه کرمانشاهان و ایلام!

روستائیان زحمتکش قلخانی، گوران، سنجابی و دشت ذهاب!

فریب تبلیغات رادیو و تلویزیون عراق و دیگر بلندگوهای وابسته و مزدوران پالیزبان را نخورید! امنیت و رفاه" مورد ادعای دار و دسته بختیار - پالیزبان و "میهن پرستی" کاذب آنها فریبی بیش نیست. ما سالها طعم تلخ "امنیت و آسایش و میهن پرستی" آریامهری را که این مزدوران وعده آن را می‌دهند، چشیده‌ایم و احتیاجی به آزمایش مجدد آن نداریم آنها هم اکنون خود به بزرگ‌ترین خطر برای امنیت زحمتکشان منطقه تبدیل گشته‌اند. راه پیروزی ما نه در بازگشت به گذشته بلکه حرکت به سوی آینده است. امنیت و آسایش و رفاه واقعی برای ما در گرو قطع کامل وابستگی کشور از امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و نابودی ستم و بهره‌کشی سرمایه‌داران غارتگر و زمین‌داران بزرگ است. کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان میهن ما تنها زمانی به حقوق خویش دست می‌یابند و بیکاری، گرانی، بهره

بقیه در صفحه ۱۵

تصحیح خبر "شبکه‌های جاسوسی سیا را درهم شکنیم"

در شماره ۶۳ "کار" خبری با عنوان "شبکه‌های جاسوسی سیا را درهم شکنیم" درج شده بود که مضمون آن افشای مدیران سرسپرده شرکت (اف‌آی‌سی) است. از آنجا که نمونه‌های مورد استناد این خبر بطور ناقص بدست ما رسیده بود، دو نکته مبهم در آن وجود داشت که با توجه به متن کاملی که اکنون در دست ماست، آن را با پوزش به صورت زیر تصحیح مینمائیم:

۱- این اسناد بر مبنای اقدامات ضد امپریالیستی سپاه پاسداران (مرکز عملیاتی ولی عصر) علیه شرکت امریکائی اف‌آی‌سی و در رابطه با افشاء و تعقیب مدیران و عوامل جاسوس وابسته به سیا، به وسیله سپاه در تاریخ دیماه ۵۸ تنظیم شده بود.

ضروری است در مطالعه این سند به نقش موثر سپاه (مرکز عملیاتی ولی عصر) در جهت از هم پاشاندن این شبکه جاسوسی سیا در ایران توجه شود.

۲- در خبر مذکور جمله "مدیریت این شرکت در دست محمدباقر تانقلیچ است" و برخی از عناصر امریکائی شرکت به نمایندگی از طرف شرکت کنسینتال در شرکت اف‌آی‌سی مشغول به کار هستند آمده بود ولی در حال حاضر (و بدنبال افشای آنان و تحت تعقیب قرار گرفتنشان) باید گفت که مشغول بکار بودند نه اینکه هستند.

احکام

اعدام کند. جنبه از صفحه ۳ آیا در حکومت جمهوری اسلامی سزای تبلیغ عقیده، فعالیت سیاسی، تحریک مردم به دادن شعار و امثالهم اعدام است؟

بدون تردید احکام جنایتکارانه دادگاه انقلاب اسلامی اهواز بسود امپریالیسم امریکا است و تنها دشمنان مردم ما را شادمان می‌کند.

ما اطمینان داریم که هیچ نیروئی قادر نخواهد بود در برابر اراده انقلابی توده‌هایی بایستد که می‌خواهند مبارزات خود را تا نابودی کامل سلطه امپریالیسم در همه ابعاد آن ادامه دهند و با همه توان خود از دستاوردهای خون شهدای انقلاب دفاع کنند.

توضیح: قسمت سوم مقاله "آقای رئیس‌جمهور! زیر شعار شورایی‌شورا ضدانقلاب در صنعت نفت خود را تحکیم می‌بخشد" به دلیل تراکم مطالب و کمبود جا در شماره آینده درج خواهد شد.

شادی امپریالیسم و کینه توزی جمهوری اسلامی با انقلابیون

دیگری روشن شده است که دشمنی و کینه‌توزی این جریانات با نیروهای انقلابی بهترین زمینه رشد لیبرالها و سایر محافل وابسته به امپریالیسم امریکا را فراهم ساخته است. امروز دیگر به خوبی روشن است که چگونه تبلیغات علیه نیروهای انقلابی در خدمت امپریالیسم و متحدان داخلی آن قرار می‌گیرد. تبلیغات کینه‌توزانه این جریانات علیه نیروهای انقلابی امروز بیش از هر زمانی خوراک تبلیغاتی امپریالیسم امریکا و زمینه رشد همه جریانات وابسته به آن را فراهم می‌سازد.

انقلابیون کمونیست بدون تردید امپریالیسم امریکا و همه متحدان داخلی آن را عمیقاً خوشحال می‌کند. کسانی که این جعلیات را اختراع می‌کنند و هر روز اتهام جدیدی علیه فدائیان خلق و مجاهدین خلق عنوان می‌کنند، همواره به وحدت خلق آسیب می‌رسانند و مبارزات ضدامپریالیستی مردم را تضعیف می‌کنند. از قیام تا به امروز حزب جمهوری اسلامی و مطبوعات و دستگاه‌های وابسته به آن همواره کوشیده‌اند همه جنایات امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن را به آشتی‌ناپذیرترین دشمنان امپریالیسم نسبت دهند. آنها با شیوه‌های تخریبی خود نشان می‌دهند تا چه حد از رشد آگاهی مردم که با رشد نیروهای انقلابی همراه خواهد بود، هراسانند و چگونه وقتی به دشمنی کوربا نیروهای انقلابی برمی‌خیزند خواسته و ناخواسته در خدمت امپریالیسم قرار می‌گیرند. امروز بیش از هر زمان

ضدامپریالیستی مردم ما وارد آورده است. امروز دیگر همه می‌دانند که چگونه حزب جمهوری اسلامی و روزنامه آن در پراکندگی صفوف مردم و تضعیف مبارزه ضدامپریالیستی نقش و سهم درجه اول بر عهده دارد! اگر امپریالیسم امریکا تلاش دارد با عوامفریبی و تکرار دروغین برخی از شعارهای مردم، برای نیروهای لیبرال و سایر عوامل داخلی وابسته به خود حیثیت دست و پا کند، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، روزنامه جمهوری اسلامی و آزادگان و امثالهم نیز با جعل و تحریف حقایق، با جعل بزرگترین دروغ‌ها و زنده‌ترین تبلیغات علیه نیروهای انقلابی و با تلاش در وابسته جلوه دادن نیروهای انقلابی به امپریالیسم امریکا عملاً بزرگترین خدمت‌ها را به منافع امپریالیسم امریکا انجام می‌دهند. دشمنی و کینه‌توزی جمهوری اسلامی ایران به

حاکمیت و دشمنی آن با سازمان‌های مترقی تغذیه می‌شود. بطوریکه متعاقب حملات اخیر حاکمیت به سازمان ما و مجاهدین، رادیو امریکا به اصطلاح به دفاع از "آزادی‌های دمکراتیک" برخاسته و اظهار داشت: "پایان آزادی‌های دمکراتیک در ایران فرا رسیده است." در این میان ارگان حزب جمهوری اسلامی به اصطلاح خواسته است نعل وارو بزند. روزنامه حزب حاکم مانند همیشه دست به کاری می‌زند که تنها دشمنان مردم ما را خوشحال می‌کند و این را البته این روزنامه و حزب آن خدمت به انقلاب مردم ما می‌نامد. روزنامه با تیتیر درشت می‌نویسد که امپریالیسم امریکا از مجاهدین خلق و چریکهای فدائی خلق حمایت کرده است!! امروز بر همه آشکار است که سیاست دشمنی با نیروهای انقلابی و در راس آن انقلابیون کمونیست چه آسیب‌های عظیمی به مبارزات

مردم آگاه میهن ما به خوبی می‌دانند که امواج تبلیغات عوامفریبانه و شایعات مسموم رادیو امریکا و دیگر رادیوهای امپریالیستی هدفی جز ایجاد تفرقه در صفوف مردم و متشکل کردن نیروهای ضدانقلابی، دوستان و جاسوسان امپریالیسم ندارد. اکنون امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا از طریق رادیوهای خود با عوامفریبی از آزادی‌های دمکراتیک! در ایران دفاع می‌کند. به همین دلیل امپریالیسم جهانی و در راس آن امریکا سعی دارد که محاصره اقتصادی و حتی تجاوز نظامی به میهن ما را اقداماتی در جهت بازگرداندن آزادی‌های دمکراتیک! وانمود کند! دشمنان مردم ما با جنجال‌های تبلیغاتی از گرانی و گرسنگی سخن می‌گویند و از مبارزات خلق کرد به ظاهر دفاع می‌کنند. بخش مهمی از تبلیغات این رادیوها از مواضع انحصار طلبانه و ضد دمکراتیک

بقیه از صفحه ۴

پیام کارگران بیشتر "صنایع فولاد و ..."

مرکزیت سازمان را در جهت پذیرش، بکارگیری و تطبیق اصول جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم با جنبش طبقه کارگر و تلفیق آن با تاریخ خونبار و قهرمانانه فدائیان ارج می‌گذاریم و در این رابطه تمامی شیوه‌های "آنارشینیستی" و ماجراجویانه را که از جانب نیروهای "چپ‌رو" در قبال طبقه کارگر اتخاذ می‌شود و خود واکنشی سطحی در قبال "رفرمیسم فرصت‌طلبانه" حزب توده است، نادرست و انحرافی می‌دانیم. ما یک چنین تاکتیک‌هایی را که جو مسموم سرکوب و اخراج را در کارخانه‌ها دامن می‌زند و زمینه را جهت از هم پاشی تشکلهای کارگری فراهم می‌نمایند، دقیقاً در خدمت سرمایه‌داری وابسته می‌دانیم. جاودان باد خاطره شهدای بخون خفته خلق پیش بسوی حزب طبقه کارگر ایران مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا کارگران بیشتر، صنایع فولاد و نورد اهواز

بقیه از صفحه ۵

رژیم دیکتاتوری ...

بائین آمدن واردات در ۷۱-۱۹۶۶ تنها به خاطر عدم پرداخت وام به پاکستان توسط بانک جهانی بود. (اما در همان سال نیز ۸۰ درصد واردات از همین کشور بود). روند عمومی جدول بح خوبی گویای چگونگی رشد وابستگی اقتصادی این کشور به امپریالیسم امریکا می‌باشد. وام‌های امپریالیستی پاکستان را شدیداً وابسته کرده و اکنون بدهی این کشور به امپریالیست‌ها به مرز ۸ میلیارد دلار رسیده است که سالانه فقط نیم میلیارد دلار بهره آن را پرداخت می‌نماید (چیزی در حدود یک پنجم عایدی صادرات این کشور). پس از کودتای ضیاءالحق (۱۹۷۷) صنایعی که در زمان بوتو ظاهراً "ملی" شده بودند علناً به صاحبان آن یعنی انحصارات امپریالیستی واگذار گردید و شرایط سرمایه‌گذاری‌های خارجی تسهیل گردید. اصلاحات بورژوازی بوتو کنار زده شد و رژیم دیکتاتوری پاکستان به شکل چهار نعل به طرف وابستگی هرچه عمیق‌تر به امپریالیسم پیش رفت. ادامه دارد.

قسمتی از اعلامیه ...

بقیه از صفحه ۱۴
کشی، ستم و ناامنی زمانی بطور قطع پایان می‌یابد که دست امپریالیست‌ها و نوکران آن یعنی پالیزیبان‌ها و بختیارها، دست سرمایه‌داران غارتگر و زمین‌داران بزرگ از جان و مال آنها کوتاه گردد و خود حاکم بر سرنوشت خویش گردند. سرنوشت کسانی که آگاهانه و ناآگاهانه به خدمت دار و دسته پالیزیبان - بختیار درآمده‌اند بهتر از سرنوشت کردهائی که در عراق بدنبال ملامصطفی بارزانی راه افتادند، نخواهد بود. هم دیدیم چگونه کسانی که فریب ملامصطفی را خوردند پس از مصالحه رژیم‌های ایران و عراق سرشان بی‌کلاه ماند و آواره و دربدر گشتند. آنها حتی اکنون هم بعنوان مزدور

و گوشت دم توپ مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند. بکوشیم همگام و همراه با مردم سراسر ایران مبارزات خویش را علیه امپریالیست‌ها و عوامل داخلی و خارجی آنها گسترش دهیم و برای ایجاد ایرانی مستقل، آزاد و عاری از ستم و بهره‌کشی که در آن کلیه زحمتکشان خود حاکم بر سرنوشت خویش باشند، یکپارچه و متحد مبارزه نمائیم.

نابودیاد توطئه‌های دارودسته وابسته به امپریالیسم: پالیزیبان - بختیار پیروزیاد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک کارگران و زحمتکشان مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - منطقه کرمانشاهان - ۱۰ تیر ۵۹

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

گرامی باد خاطره مبارزات کارگران نساجی قائم شهر

کارخانجات نساجی قائم شهر (شاهی سابق) که از قدیمی ترین کارخانجات ایران است، متجاوز از ۴۰ سال کار طاقت فرسای تولیدی و سنت های درخشان مبارزاتی را پشت سر خود دارد. اعتصابات سال ۵۴ این کارخانه نیز برگی خونین از این تاریخچه است. این اعتصابات در دورانی صورت گرفت که رژیم ضد خلقی شاه اختناق و سرکوب را به اوج خود رسانده بود. در تاریخ ۷ تیرماه ۵۴، ۲۶۰۰ تن از کارگران مبارز این کارخانجات به واسطه خواستهائی چون لغو کسری ۱۰٪ از سود ویژه و برکناری رئیس کارخانه بطور

یکپارچه دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب از ۷ تا ۱۴ تیرماه ادامه داشت و در جریان آن کارگران مبارز "زیرآب" نیز به اعتصاب پیوستند و بخشی از روشنفکران و زحمتکشان شهری نیز پشتیبانی خود را از خواسته های کارگران اعلام کردند. رژیم ضدکارگری شاه از گسترش دامنه این اعتصابات به هراس افتاد و پلیس و ارتش ضد خلقی اش را به سرکوبی کارگران برگمارد. در جریان این سرکوب وحشیانه کارگران و زحمتکشانی که به حمایت از آنان برخاسته بودند، شديداً مورد ضرب و شتم واقع شده و در معرض رگبار گلوله

مزدوران رژیم قرار گرفتند. این سرکوب وحشیانه حتی پس از پایان اعتصاب نیز ادامه یافت و اخراج صدها کارگر مبارز را بدنبال داشت. کارگران مبارز نساجی قائم شهر در پنجمین سالروز بزرگداشت این اعتصاب خونین، همراه با همه کارگران و زحمتکشان میهن خاطره شهدای مبارز ۱۰ تیر را با بهره گیری از سنت های مبارزات کارگری گرامی میدارند و با گامهائی استوارتر در راه پرافتخار شهدای قهرمان، در راه مبارزه برای محور نظام بهره - کشی و استثمار انسان از انسان، پیروزمندان به پیش می روند.



"حسین قاسمی مطلق ۴۳ سال در کنار کوره ها تدریجاً سوخت و جان سپرد"

حرف های کارگر پیر که حرف همه کارگران بود. حاضران را سخت متأثر کرد و به گریه واداشت و واقعیت "حسین پس از ۴۳ سال زجر کشیدن و سوختن تدریجی در کنار کوره های سیمان پزی جان سپرد. راستی حسین در این ۴۳ سال چه نصیبی از زندگی برد و چه چیزی از خود باقی گذاشت؟ ما کارگران که موی همگی ما سفید شده و هر کدام مان بیش از ۲۵ سال است که داریم در گرد و غبار سیمان و حرارت کوره ها زجرکش می شویم، چه داریم؟ بقیه در صفحه ۱۲

پنجشنبه گذشته، حسین قاسمی مطلق یکی از کارگران قدیمی کارخانه سیمان ری، (قسمت کوره پزی) پس از ۴۳ سال کار طاقت فرسا در کوره های سیمان پزی، سرانجام وقتی که از کارخانه به خانه می رفت، سگته کرد و جان سپرد. کارگران که دوستی قدیمی و هم سنگری مبارز و شریف را از دست داده بودند، همگی در مراسم ترحیم او شرکت کردند. یکی از کارگران کارخانه در سخنرانی بزرگداشت دوست از دست رفته شان چنین گفت:

جنايات دادگاه های انقلاب کرمان و اهواز در خدمت امپریالیسم جهانی

خواهد برد بلکه بهترین خوراک تبلیغاتی امپریالیسم جهانی و همه محافل وابسته به آن را علیه مبارزات و انقلاب مردم ایران فراهم خواهد ساخت. تصویری که امپریالیسم می تواند با بهره برداری از این اقدامات وحشیانه در اذهان عمومی مردم اروپا و آمریکا و بسیاری از مردم کشورهای زیر سلطه جهان از انقلاب ایران ارائه دهد، چنان است که زمینه را برای بیزارى مردم این کشورها از انقلاب ایران و برای حمایت این کشورها از هر اقدام تجاوزکارانه علیه مردم ایران و علیه مبارزات مردم سایر کشورها فراهم می سازد. متحدان داخلی امپریالیسم نیز با استفاده از این اعمال وحشیانه، توده مردم را می فریبند و فرصت می یابند امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه را در اذهان برخی از مردم تبرئه کنند. بنابراین کسانی که به این اعمال وحشیانه دست می زنند

کرمان - مرکز خبری سپاه پاسداران کرمان گزارش داد که بر اساس حکم دادگاه انقلاب استان کرمان ساعت ۵/۵ بامداد پنجشنبه گذشته ۴ نفر سنگسار و یک نفر تیرباران شدند. طبق گزارش روزنامه، مومنین این متهمان را که تا سینه در زمین فرو رفته بودند، با زدن سنگ به سر و سینه آنها، کشته اند. حجت الاسلام فهیم رئیس دادگاه انقلاب اسلامی کرمان که دستور زنده به گور کردن متهمان را صادر کرده است، در دفاع از این اقدامات وحشیانه چنین گفت: "وقتی که دست دزد قطع شود، بی شک مایه عبرت دیگران است. این مسئله (سنگسار کردن) در حضور مردم که مایه خفت و خواری است، باعث عبرت مضاعف در جامعه می شود که بند گیرند و دیگر دست به این اعمال شنیع نزنند." این اقدامات وحشیانه از آنجا که علت و ریشه دزدی و یا هر انحراف دیگری را از میان نمی برد، نه تنها هرگز دزدی و امثال آن را از بین

مبارزه پیگیر با نیروهای وابسته به امپریالیسم که در در غرب ایران رخنه کرده اند وظیفه همه نیروهای انقلابی است

مسلسل آر.بی. جی. ۷۰. خمپاره و احيانا توپ های خمسه خمسه عراقی قرار می گیرند. در این درگیری شدید که ساعتها ادامه داشت تعدادی از پاسداران کشته می شوند (حدود ۱۹ پاسدار و ۴ تن از روستائیان زحمتکش حریر) و از بقیه نیز هنوز اطلاعی در دست نیست. (مفقود شده یا به گروگان گرفته شده اند) تعدادی نیز از مهلکه جان سالم بدر برده اند یکی از هواداران سازمان که در درگیری با مزدوران شرکت داشته است، چنین نقل می کند:

"پس از آنکه ۴ خشاب ۸۰ تیر، تیراندازی کردم و

غرب را به غارت می برند. مردم حریر نیز به سپاه پاسداران مراجعه کرده تقاضای بازپس گرفتن احشام غارت شده خود را دارند. روز دوشنبه ۹ تیر تعدادی پاسدار مسلح (حدود ۸۰ - ۹۰ نفر) به منطقه تحت نفوذ مهاجمان می روند. عده ای از زحمتکشان روستای حریر نیز با آنها همراهی می کردند. پاسداران و همراهان آنها ضمن کنترل منطقه تا روستای "قوشچی باشی" می روند. در روستا به جز یک پیرمرد و چند زن کسی دیده نمی شود! پاسداران و همراهان که ده را محاصره کرده بودند، به محاصره حده ۳۰۰ تن از مزدوران در می آیند و یک دفعه و غافلگیرانه زیر رگبار

منطقه کردند یکی از نقاطی است که سلطنت طلبان مدتی است در آنجا یک تازی می کنند. هزاران مزدوری که به دست افسران فراری ارتش متشکل شده اند، این منطقه را به صورت یکی از مناطق نفوذ خود درآورده اند. در هفته های اخیر این مزدوران که مورد پشتیبانی همه جانبه عراق هستند، فعالیت های ضد مردمی خود را علیه مردم زحمتکش این منطقه افزایش داده و گوسفندان و سایر مایملک مردمی را که حاضر به همکاری با آنها نیستند، به غارت می برند. غروب روز یکشنبه ۸ تیر عده ای از این مزدوران، گوسفندان روستای "حریر" واقع در ۵ کیلومتری کرند

بقیه در صفحه ۴

احکام جنایتکارانه دادگاه انقلاب اسلامی اهواز بسود امپریالیسم آمریکا است

در صفحه ۳